

نیازمند جراحی بزرگ هستیم
پزشکیان از رویدادهای آینده سخن گفتبمباران اقامتگاه پوتین
حمله پهپادی اوکراین به مسکوشهرت و انزوا
درباره بریژیت باردو

تجمعات محدود

گزارش سازندگی از اعتراض بازاریان
به نوسانات ارزی و افزایش قیمت‌ها

یادداشت روز

اهمیت ابتکار عراق

به مردم اجازه زندگی دهیم

فریدون مجلسی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل



محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق، اخیراً اعلام کرده است: «اما اکنون تلاشی مهم را برای ترتیب دیدار دوجانبه بین ایران و آمریکا در بغداد با هدف از سرگیری گفت‌وگوها آغاز کرده‌ایم. هر دو طرف آمریکایی و ایرانی با اصل گفت‌وگو مخالف نیستند، اما هریک ملاحظات خاص خود را دارند». این اظهارات، فراتر از یک خبر دیپلماتیک ساده، حامل پیامی مهم برای تهران و منطقه است. ایران باید از حسن‌نیت مقامات عراقی سپاسگزار باشد؛ نه فقط از آن جهت که این تلاش‌ها به نفع ایران است، بلکه از آن‌رو که در وهله اول به سود ملت عراق نیز خواهد بود. عراقی‌ها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که هرگونه جنگی که ایران را درگیر کند، به‌طور اجتناب‌ناپذیر عراق را نیز وارد میدان می‌کند؛ از ضربه به حشدالشعبی و نیروهای نزدیک به ایران گرفته تا تهدید منابع، مراکز و زیرساخت‌هایی که سال‌ها برای آنها تدارک دیده شده است. جامعه سیاسی عراق، که تجربه ویرانگر دوران صدام حسین را با همه لاجت‌ها، سرپیچی‌ها و رویارویی‌های پرهزینه‌اش با قدرت‌های بزرگ به‌خاطر دارد، نمی‌خواهد بار دیگر در معرض همان بلا قرار گیرد. آنها دیده‌اند مقاومت تا واپسین لحظه در برابر ارتشی که از کویت پیش می‌آمد، نهایتاً به فرار و فروپاشی انجامید. طبیعی است چنین ملتی که طعم بحران و جنگ را چشیده، امروز پیش از هر چیز به فکر مردم خود باشد؛ و شاید از سر دلسوزی برای خویش است که می‌خواهد حتی در ایران نیز جنگی رخ ندهد که شعاع آن دیر یا زود به بغداد و بصره برسد. از همین زاویه، امید آن است که مقامات ایرانی نیز پیش و پیش از هر چیز، به فکر ملت ایران باشند. آنچه معمولاً پس از جنگ و ویرانی، ناگزیر پذیرفته و روی کاغذ امضا می‌شود، چرا نباید پیش از آن‌همه خسارت پذیرفته شود؟ امروز، با وجود فشارها و ضرباتی که طی روزهای اخیر وارد شده، کشور هنوز ایستاده است. اما دستاوردهایی که صرفاً عنوان «اتمی» یا مشابه آن را یدک می‌کشند، وقتی به زندگی مردم گره نخورند، برای ملت نه‌نان می‌شوند و نه امنیت. تجربه‌ها نشان داده‌اند: انسان‌ها از دست رفته‌اند، صدها میلیارد دلار منابع نابود شده و دوباره همان مسیر تکرار شده است. اکنون زمان آن است که اجازه داده شود مردم آسایش، آرامش و شادی را تجربه کنند؛ زندگی کنند. کسانی که جنگ می‌خواهند، اگر چنین ضرورتی می‌بینند، خود در صف مقدم حاضر شوند و «مزایای» آن را بچشند اما از اکثریت جامعه، هرگز در این‌باره پرسیده نشده که آیا اساساً جنگ می‌خواهد یا نه. آمریکا نه دعوی ارضی با ایران دارد، نه به‌دنبال تغییر نام خلیج فارس است و نه جزایری را مطالبه می‌کند. با این حال، از سال‌ها پیش، ما وارد چرخه‌ای شده‌ایم که بهای آن را بیش از همه مردم پرداخته‌اند؛ چرخه‌ای که اگر قرار باشد روزی پایان یابد، این پایان باید از سوی ما آغاز شود. گفت‌وگو به‌معنای واقعی رفتن و شنیدن است، بدون شرط‌گذاری‌های بی‌بایان و با پذیرش آنچه حق است؛ و البته همراه با چانه‌زنی هوشمندانه برای منافع ملی. وقتی جامعه به نقطه استیصال می‌رسد، ناگزیر باید بهایی برای بازگشت به وضعیت عادی بپردازد. امروز ما برای رسیدن دوباره به استقلال واقعی، نه استقلالی روی کاغذ باید تصمیم‌های دشوار بگیریم. نه استقراضی بین‌المللی در دسترس داریم، نه کشتی‌ها آزادانه رفت‌وآمد می‌کنند؛ توقیف در یک بندر امروز، می‌تواند به توقیف در همه بنادر فردا بدل شود. در تعاملات بانکی جهانی، نیازمند اجازه خزانه‌داری آمریکا هستیم. این وضع، نامش استقلال نیست. راه بازگشت به استقلال، بازگشت به عرصه بین‌المللی است؛ هم برای نجات کشور، هم برای نجات مردمی که دیگر توانی برای تحمل ندارند. مردمی که گرسنگی و سختی را تاب می‌آورند، امیدی به فردا ندارند و جوانانی که راهی جز مهاجرت پیش روی خود نمی‌بینند. اگر کسانی هستند که حاضرند این هزینه‌ها را همچنان بپردازند، دست‌کم به فکر آنان باشند که چاره‌ای جز تحمل ندارند. در این میان، مقامات و مذاکره‌کنندگانی که از امکان، ثروت و پشتوانه شخصی برخوردارند، شاید بتوانند فشارها را تاب آورند؛ اما اکثریت مردم چنین ظرفیتی ندارند. مسئولیت اخلاقی و تاریخی حکم می‌کند پیش از آنکه دیرتر شود، راهی برای پایان این وضعیت گشوده شود. ابتکار بغداد می‌تواند نقطه شروعی باشد به شرط آنکه ما نیز بخواهیم.

آغاز ترمیم کابینه

درحالی که شوک ارزی اخیر، بازاریان را ناراضی کرد، محمدرضا فرزین از بانک مرکزی رفت و **عبدالناصر همتی** بار دیگر سکان را در دست گرفت

سازندگی به این موضوع پرداخته که او چگونه می‌تواند بازار ارز را آرام کند؟

خبرگزاری تسنیم خبر داد: با تغییر رئیس کل بانک مرکزی، دلار ۱۰ هزار تومان و سکه ۲ میلیون تومان ارزان شد

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

دلار در چند روز گذشته مرتباً افزایش یافت و از هر دلار ۱۳۰ هزار تومان، به ۱۴۴ هزار تومان رسید. برخی از بازاریان تهران در واکنش به این امر و گرانی‌ها، اعتراض کرده و کرکرها را پایین کشیدند. دولت در تصمیمی رئیس کل بانک مرکزی را تغییر داد. عبدالناصر همتی، وزیر پیشین اقتصاد که با استیضاح سیاسی مجلس، از دولت کنار گذاشته شده بود، دوباره به دولت بازگشت. اکنون باید دست‌های او را برای آرام کردن بازار ارز باز گذاشت. هم‌زمان بازار ارز ایران بار دیگر شاهد یکی از شدیدترین نوسان‌های خود در سال‌های اخیر بود؛ نوسانی که نه‌تنها شاخص‌های اقتصادی، بلکه رفتار اجتماعی و معیشتی اقشار مختلف جامعه را نیز تحت‌تأثیر قرار داد. افزایش ناگهانی قیمت دلار، شوکی تازه به اقتصادی وارد کرد که در پیش از یک دهه گذشته بارها با تکانه‌های مشابه دست‌وپنجه نرم کرده است. این رخداد ششمین شوک ارزی بزرگ در حدود ۱۴ سال اخیر محسوب می‌شود؛ شوکی که پیامدهای آن فراتر از بازار ارز، به بازار کالا، خدمات و حتی فضای روانی جامعه سرایت کرده است. پیامدهای این شوک ارزی در دو روز گذشته به‌سرعت در بازار تهران نمایان شد.

ادامه در صفحه ۶



دولت

نیازمند جراحی بزرگ هستیم

پزشکیان از رویدادهای آینده گفت



گروه سیاسی: رئیس‌جمهور در نشستی با مدیران معاونت راهبردی، خط‌مشی دولت خود را بر پایه اصلاحات ریشه‌ای و مقابله با منتفعان وضع موجود با تأکید بر ضرورت یک «جراحی بزرگ» برای اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور، بنا نهاد. او اعلام کرد که برای غلبه بر ناترازی‌های عمیق و مشکلات ساختاری، گریزی از اقدامات قاطع و گسترده نیست؛ اقداماتی که به‌طور طبیعی با مقاومت شدید کسانی روبه‌رو می‌شود که از ناکارآمدی سیستم فعلی سودهای کلان می‌برند.

پزشکیان روز گذشته با اشاره به اینکه «آنها که روزانه میلیاردها تومان به جیب‌شان می‌رود، نمی‌گذارند کار خود را درست انجام دهیم»، پرده از جنگ قدرتی برداشت که در پس هر تلاش برای اصلاحات درمی‌گیرد. به گفته او، هر زمان که بحث اصلاح بخشی از اقتصاد مطرح می‌شود، «فریاد منتفعین از وضعیت موجود به آسمان می‌رود». این گروه، که منافع‌شان در تداوم روندهای غلط گذشته گره خورده است، بزرگترین مانع بر سر راه هرگونه تغییر مثبت هستند. رئیس‌جمهور تأکید کرد که هر اصلاحی عوارضی دارد، اما برای عبور موفق از این مرحله و جلوگیری از وخیم‌تر شدن اوضاع، باید به یک «زبان و نگاه مشترک» در سطح ملی دست یافت و جایی جلوی این روند معیوب را گرفت.

یکی از مصادیق بارز این جراحی بزرگ، اصلاح نظام توزیع پارانهاست. پزشکیان با انتقاد از شیوه فعلی که پارانها را به ابتدای زنجیره تأمین تخصیص می‌دهد، تصریح کرد که این روش به دست مصرف‌کننده اصلی نمی‌رسد و عملاً به توزیع ناعادلانه ثروت دامن می‌زند. او مثال پارانها بنزین را پیش کشید و گفت: «امروز در حالی ماهانه چند میلیون پارانها به پاک هر خودرو تخصیص می‌دهیم که در تأمین معیشت مردم مشکل داریم». این رویه، به‌جای حمایت از اقشار نیازمند، به‌نفع کسانی تمام می‌شود که از این سیستم ناکارآمد سود می‌برند. به همین دلیل، دولت چهاردهم به‌دنبال آن است تا به‌جای «اصلاح شاخ و برگ‌ها»، اصلاحاتی ریشه‌ای و بنیادین را در دستور کار قرار دهد که نیازمند هم‌صدایی و همکاری تمام ارکان نظام، ازجمله مجلس، است.

پزشکیان با تکرار این نکته که «ما روی گنج نشسته‌ایم اما با مشکلات فراوان دست‌وپنجه نرم می‌کنیم»، به پتانسیل‌های عظیم مغفول‌مانده کشور، به‌ویژه در حوزه انرژی، اشاره کرد. در حالی که کارشناسان معتقدند امکان صرفه‌جویی ۳۰درصدی در مصرف انرژی وجود دارد، او تأکید کرد که حتی تحقق ۱۰درصد صرفه‌جویی می‌تواند بسیاری از مشکلات عمرانی، معیشتی و اقتصادی کشور را مرتفع کند. این جراحی اقتصادی به‌معنای متوقف کردن تصمیمات و اقدامات غلط گذشته است. او به گزارش کارگروه اصلاح حکمرانی آب اشاره کرد که نشان می‌دهد تمام تصمیمات ۴۰ سال گذشته در این حوزه اشتباه بوده و وضعیت را بدتر کرده است. گام اول در مسیر درمان، توقف همین روندهای مخرب است.

رئیس‌جمهور همچنین بر اهمیت «کارتیمی» و تغییر رویکرد از «تغییر افراد» به «حل مسئله» تأکید کرد. او با اشاره به اینکه «متأسفانه در سال‌های سپری شده از پیروزی انقلاب، همواره به‌جای حل مسئله، به‌دنبال تغییر افراد و مدیران بوده‌ایم و صورت مسئله را پاک کرده‌ایم»، اعلام کرد که دولت چهاردهم به‌دنبال ایجاد کارگروه‌های تخصصی برای حل ریشه‌های ناترازی‌ها در حوزه‌های انرژی، آب و محیط‌زیست است. او معتقد است مشکل اصلی امروز کشور، نبود راهکار نیست، بلکه «فقدان افرادی است که اراده و اعتقاد کافی برای حضور در یک گروه عملیاتی حل مسئله» را داشته باشند. این تغییر رویکرد، که از اصلاح نظام آموزشی برای تقویت «روحیه جمعی» آغاز می‌شود، هسته اصلی جراحی فرهنگی و مدیریتی مورد نظر پزشکیان است. او با اذعان به اینکه «به تهایی نمی‌توانم بر مشکلات غلبه کنم»، بر قدرت «ما» و ضرورت استفاده از تمام ظرفیت نخبان و کارشناسان کشور برای به ثمر رساندن این جراحی بزرگ و حیاتی تأکید کرد.

تجمعات محدود

گزارش سازندگی از اعتراض بازاریان به نوسانات ارزی و افزایش قیمت‌ها

گروه سیاسی: منابع خبری اعلام کردند که روز گذشته، جمعی از کسبه و بازاریان در تهران در اعتراض به افزایش قیمت ارز و مشکلات اقتصادی ناشی از آن، تجمعی اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات که در نقاط مختلفی از بازار تهران و خیابان‌های اطراف آن شکل گرفت، واکنش‌های متفاوتی را از سوی رسانه‌ها و مقامات رسمی به همراه داشت و در نهایت به تغییر در ریاست کل بانک مرکزی منجر شد.

در همین رابطه ایرنا گزارش داد که در برخی از نقاط بازار تهران مانند سیزمیدان و چهارراه استانبول، جمعی از بازاریان با تعطیل یا نیمه‌تعطیل کردن مغازه‌ها و سردادن شعارهایی، به وضعیت نرخ ارز و شرایط اقتصادی اعتراض کردند. براساس این گزارش، بسیاری از واحدهای صنفی برای جلوگیری از ضرر احتمالی، از انجام معاملات خودداری کردند و سطح فعالیت صنفی به حداقل رسید. از سوی دیگر، ایسنا تمرکز خود را بر تجمعات بازار موبایل

تهران در محدوده پل حافظ، پاساژ علاءالدین و مجتمع چهارسو قرار داد. طبق مشاهدات خبرنگار ایسنا، این اعتراضات که از حدود ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح آغاز شد، باعث توقف فعالیت بخشی از مغازه‌داران در امتداد خیابان جمهوری و ایجاد ترافیک سنگین در این محدوده شد. کسبه حاضر، نوسانات شدید ارزی را دلیل اصلی اعتراض خود عنوان کردند که در کنار رکود ماههای اخیر و مشکلات ثبت سفارش و واردات وضعیت این صنف را بحرانی‌تر کرده و عملاً امکان قیمت‌گذاری، معامله و تأمین کالا را از آنها سلب کرده است. این در حالی است که به گفته مهدی اسدی، رئیس انجمن موبایل، چالش اصلی این صنف بیش از آنکه نرخ ارز باشد، «فقدان مسیر ثبت سفارش و واردات» است که در صورت رفع آن، شرایط بازار بهبود خواهد یافت. گزارش ایسنا همچنین اشاره می‌کند که در کنار مطالبات صنفی، گروه اندکی با سردادن شعارهای سیاسی تلاش داشتند از این اعتراض صنفی سوءاستفاده کنند.

خبرگزاری فارس نیز روایت خود را از این تجمعات ارائه داد. براساس این گزارش، تجمع از خیابان لاله‌زار آغاز شد و با حرکت به سمت مرکز شهر، در مقطعی با سردادن شعارهای حاشیه‌ای و فشار به مغازه‌داران برای پیوستن به تجمع همراه بود. به گفته خبرنگار فارس در این تجمع شعارهایی با مضامین سیاسی مانند «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران» و «رضا شاه روح شاد» از سوی چند نفر سر داده شد که با استقبال کسبه روبه‌رو نشد. این گزارش همچنین به پیوستن ناگهانی یک گروه حدوداً ۳۰نفره از زنان و افزایش جمعیت از سمت مترو سعدی اشاره می‌کند. در نهایت، با دخالت نیروهای یگان ویژه برای بازگشایی مسیر، درگیری فیزیکی محدودی در چهارراه استانبول گزارش شده است. فارس همچنین نوشت که در طول مسیر حرکت، گزارش‌هایی از ادامه فشار بر برخی

پارلمان

نقشه راه قالیباف

رئیس مجلس: راه‌حل معامله با ترامپ، اشتباه است

گروه سیاسی: محمداقبر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، روز گذشته در نشست استانداران سراسر کشور با رد ایده «معامله با ترامپ» به‌عنوان یک راه‌حل برای مشکلات کشور، این رویکرد را یک «اشتباه» و «جساده انحرافی» توصیف کرد که ماهیت آن برای همگان روشن شده است. از دیدگاه رئیس مجلس، قدرت‌های خارجی و در رأس آنها ایالات متحده، به‌دنبال ایرانی قدرتمند و مستقل نیستند، بلکه ایرانی را می‌خواهند که در چارچوب «هژمونی» آنها حرکت کند. قالیباف تأکید کرد که استقلال، عزت و قدرت ملی ایران برای این قدرت‌ها فاقد اهمیت است و نباید اجازه داد دشمن با «دادن آدرس‌های غلط»، انسجام ملی و اداره کشور را دچار گمراهی کند.

قالیباف در تحلیل شرایط امنیتی، ضمن اشاره به پایان جنگ ۱۲روزه، تصریح کرد که اگرچه نمی‌توان به‌طور قطعی از وقوع یک جنگ دیگر سخن گفت، اما «تهدیداتی که دشمن علیه

مغازه‌داران برای تعطیلی کسب‌وکار خود توسط تعدادی از معترضان دریافت شده است. این اقدامات که با پرتاب سنگ همراه بود منجر به تعطیلی پاساژ تجارت ایرانیان و برخی صرافیها در مسیر شد.

موضع‌گیری معاون امنیتی وزیر کشور

در واکنش به این تجمعات، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن هشدار نسبت به اثرگذاری فضاسازی‌های روانی بر بازار ارز، از مردم و بازاریان خواست با صبر و همراهی، تحت‌تأثیر القانات دشمن قرار نگیرند. علی‌اکبر پورجمشیدیان تأکید کرد که بخش زیادی از نوسانات ارزی، متأثر از فضای روانی بازار است و دشمن نیز به‌شدت به‌دنبال بهره‌برداری از این فضاست. او به مردم اطمینان داد که مسئولان دولتی و مجلس با تمام وجود در تلاش برای کنترل نوسانات هستند. وی در توصیه‌ای به بازاریان گفت: «بازاریان مقداری صبر و تحمل و



عکس: خبرگزاری فارس

همراهی کنند و تحت‌تأثیر قرار نگیرند؛ القانات عملیات روانی نباید بازار را تحت‌تأثیر قرار دهد». پورجمشیدیان با تأکید بر اینکه کشور از نظر امکانات و کالا با هیچ مشکلی مواجه نیست، ابراز امیدواری کرد که با همراهی مردم و بازار، آرامش به‌زودی برقرار شود.

تحلیل عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز در گفت‌وگو با ایلنا، ابعاد مختلف این اعتراضات را تحلیل و ابراز امیدواری کرد که این وضعیت، مقدمه‌ای برای آشوب‌های بعدی نباشد. او با اشاره به سخت شدن وضعیت معیشتی مردم و رقابت ایجاد شده برای تبدیل نقدینگی به سکه و دلار، این دو را پیش‌رسان‌هایی برای افزایش قیمت‌های دیگر دانست. به گفته وی، دولت به این نتیجه رسیده که قیمت‌ها را به مکانیزم عرضه و تقاضا بسپارد، اما همزمان بحث ارائه یک سبد کالای ۱۱ قلمی با قیمت ثابت به طبقه متوسط به پایین مطرح است که هنوز به نتیجه نرسیده است.

ایسن نماینده مجلس تأکید کرد که وقتی قیمت‌ها لحظه‌ای

افزایش می‌یابد، خرید و فروش مختل می‌شود و اصنافی مانند فروشندگان موبایل و خودرو که کالاهایشان وابسته به دلار است بیشترین آسیب را می‌بینند. او با بیان اینکه شعارهای مشاهده شده دیگر صرفاً صنفی نیست و بین‌مایه‌های سیاسی دارد، به کسبه توصیه کرد که اگر می‌خواهند کارشان درست شود، مطالبات خود را در حد شعارهای اقتصادی و صنفی نگه دارند. بخشایش اردستانی معتقد است هرچند شرایط کنونی با تجربیات گذشته مانند سال ۹۶ متفاوت است، اما نباید اعتراضات نادیده گرفته شود و باید برای آنها راهکارهای استدلالی و اقناعی ارائه کرد.

او افزود که هرچند بسیاری از مردم از وضعیت موجود ناراضی هستند اما همگی معترض نیستند، زیرا گروه‌هایی ازجمله خود دولت، شبه‌دولتی‌ها و بدهکاران بزرگ بانکی از افزایش قیمت دلار منتفع می‌شوند. با این‌حال، این وضعیت می‌تواند تلنگری باشد که به نارضایتی‌های دیگر دامن بزند. وی برای کوتاه‌مدت، ارائه سبد کالا به قشر متوسط رو به‌پایین را راه‌حل دانست و برای بلندمدت، بر لزوم اصلاحات ساختاری تأکید کرد. ایسن اصلاحات شامل بودجه انقباضی، جلوگیری از خلق پول، افزایش نرخ سود بانکی، انعطاف در سیاست خارجی، تقویت حاکمیت ریال و بازگرداندن ارز توسط بدهکاران ارزی است. او همچنین پیشنهاد کرد که اگر دولت قصد افزایش قیمت دلار را دارد، باید در مقابل، حداقل یک سال ثابت قیمت را تضمین کند تا تکلیف مردم و فعالان اقتصادی مشخص باشد.

جلسه اضطراری دولت و تغییر در ریاست بانک مرکزی

همزمان با این تجمعات، عصر دیروز تیم اقتصادی دولت جلسه‌ای اضطراری با محوریت سیاست‌های ارزی، تجاری و معیشتی در بانک مرکزی تشکیل داد. به گزارش ایسنا، مدیر روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد که این جلسه در ادامه نشست‌های هماهنگی تیم اقتصادی دولت و به‌دنبال تأکید رئیس‌جمهور برگزار شد و نتایج آن به‌زودی در دولت جمع‌بندی و اطلاع‌رسانی خواهد شد. در حالی که تصاویر منتشر شده از این جلسه، حضور محمدرضا فرزین، رئیس بانک مرکزی را در تیم اقتصادی نشان می‌داد، خبری مبنی بر استعفای او در فضای رسانه‌ای منتشر که ابتدا تکذیب شد، اما ساعاتی بعد با اعلام رسمی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، بیش از پیش رنگ واقعیت گرفت. سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، در شبکه اجتماعی ایکس رسماً اعلام کرد: «با نظر و تصمیم رئیس‌جمهور، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی خواهد شد». این تصمیم، پایانی بر گمانه‌زنی‌ها و نشان‌دهنده عزم دولت برای ایجاد تغییر در سیاست‌های پولی و ارزی کشور به‌ویژه در واکنش به رخدادهای اخیر است.

به مردم و جهادی کار کردن» فرا رسیده است. قالیباف خواستار ایجاد ثبات در سیاست‌های اقتصادی شد تا مردم، بازار و تولیدکنندگان بتوانند با اطمینان بیشتری مسیر خود را ادامه دهند. بخش پایانی سخنان قالیباف به تنظیم روابط میان نمایندگان مجلس و استانداران اختصاص داشت. او ضمن افتخارآمیز خواندن الکترونیکی شدن انتخابات، به یکی از چالش‌های مدیریتی یعنی دخالت در عزل و نصب‌ها پرداخت. قالیباف صریحاً اعلام کرد که با دخالت نمایندگان در انتصابات مخالف است و اصرار بر گماردن یک فرد خاص را «حق قانونی نمایندگان» نمی‌داند، زیرا این کار انسجام مدیریت را زیر سوال می‌برد. با این‌حال، رئیس مجلس با استناد به بیانات رهبری، نمایندگان را «بهترین مشاوران استانداران» خواند که از آنجا که نمایندگان محل رجوع مستقیم مردم هستند، می‌توانند در انتقال مشکلات و ارائه راه‌حل‌ها نقش مشورتی مؤثری ایفا کنند. قالیباف با اشاره به اینکه استانداران از سوی بخش‌های مختلف تحت‌فشار هستند، راه‌حل را در «تعامل، گذشت و همکاری» دانست. او تأکید کرد که کشاندن مسائل به تریبون‌های عمومی و سیاسی کردن آنها، به‌معنای عدم تمایل به حل مسئله است و بهترین مسیر، گفت‌وگو و همراهی برای پیشبرد امورات مردم است.

بمباران اقامتگاه پوتین

وزیر امور خارجه روسیه: اوکراین با استفاده از ۹۱ فروند پهپاد دوربرد به اقامتگاه رئیس‌جمهور روسیه حمله کرد

گروه بین‌الملل: وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد: اوکراین با استفاده از ۹۱ فروند پهپاد دوربرد به اقامتگاه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در منطقه نووگورود حمله کرد اما سامانه‌های پدافند هوایی همه این پهپادها را سرنگون کردند. تارنمای وزارت امور خارجه روسیه گزارش داد، سرگنی لاوروف در سخنانی افزود: این حملات در جریان مذاکرات فشرده بین روسیه و ایالات متحده برای حل و فصل مناقشه اوکراین انجام شد. وی خاطرنشان کرد: پهپادهای مهاجم سرنگون شدند و هیچ گزارشی از تلفات یا خسارات ناشی از لاشه پهپاد وجود ندارد. وزیر امور خارجه روسیه با بیان اینکه چنین اقدامات نسنجیده‌ای بی‌پاسخ نخواهد ماند، افزود: اهداف حملات تلافی‌جویانه نیروهای مسلح روسیه و زمان اجرای آنها مشخص شده است. وی در عین حال تأکید کرد: با وجود این حملات، ما قصد نداریم از روند مذاکره با ایالات متحده خارج شویم اما از آنجا که اوکراین به سیاست تروریسم دولتی روی آورده است، در موضع مذاکرات روسیه تجدیدنظر خواهیم کرد. این اتفاق در حالی رخ داد که کرملین پیش از این گزارش داده بود که ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ رؤسای جمهور روسیه و آمریکا شامگاه یکشنبه در یک گفت‌وگوی تلفنی بر ضرورت پایان دادن فوری به جنگ در اوکراین تأکید

دیپلماسی

بن‌بست مذاکرات؟

ایران به پیشنهاد عراق، چراغ سبز نشان نداد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق، در گفت‌وویی اختصاصی با شبکه المیادین اعلام کرد: «ما اکنون تلاشی مهم را برای ترتیب دیدار دوجانبه میان ایران و آمریکا در بغداد، با هدف از سرگیری گفت‌وگوها، آغاز کرده‌ایم».

او با اشاره به اینکه این موضوع در جریان دیدار با نماینده ویژه آمریکا، توماس باراک، مطرح شده است، افزود: «به طرف آمریکایی پیشنهاد دادیم از روابط سازنده بغداد با تهران برای از سرگیری مذاکرات ایران و ایالات متحده استفاده شود». به گفته وی، هر دو طرف ایرانی و آمریکایی بسا اصل گفت‌وگو مخالفتی ندارند، اما «هر یک ملاحظات خاص خود را دارند».

السودانی تأکید کرد: «ایران خواهان مذاکراتی جدی، بدون تهدید و بدون تحمیل شروط است؛ دیدگاهی که منطقی و قابل‌درک به‌منظر می‌رسد». نخست‌وزیر عراق همچنین یادآور شد که کشورش در مقاطع مختلف، برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا نقش‌آفرینی کرده است.

در همین حال، روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی درباره اهداف سفر نخست‌وزیر اسرائیل به ایالات متحده و به نقل از منابع آگاه نوشت که دولت دونالد ترامپ تلاش تازه‌ای را برای گفت‌وگو با ایران آغاز کرده است. به گفته این منابع، بسا وجود آنکه ایران همچنان در صدر نگرانی‌های منطقه‌ای ترامپ قرار دارد، کاخ سفید می‌خواهد ابتدا نتیجه‌بخش بودن این تلاش را ارزیابی کند. همچنین مورگان اورنگاس، معاون فرستاده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه، هفته گذشته در جلسه شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرد که واشنگتن برای مذاکرات رسمی با تهران آمادگی دارد.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، در نشست خبری هفتگی و در واکنش به اظهارات نخست‌وزیر عراق گفت: دغدغه دوستان ما در بغداد درباره صلح و ثبات منطقه قابل‌تقدیر است؛ همانگونه که ایران نیز نسبت به امنیت و آرامش منطقه حساس است. او افزود: «از مساعی جمیله کشورهای منطقه برای کاهش تنش استقبال می‌کنیم، اما تجربه پنج تا شش ماه اخیر نشان داده است که آغاز هر روند مذاکراتی مستلزم پایبندی همه طرف‌ها به آداب گفت‌وگوست و تا زمانی‌که این شرایط فراهم نشود، سخن گفتن از مذاکرات واقع‌بینانه نخواهد بود».

به گفته بقایی، ایران همواره به دیپلماسی پایبند بوده و آن را ابزاری برای تأمین منافع ملی می‌داند: «هر زمان تشخیص دهیم که دیپلماسی ابزار کارآمدی برای تحقق منافع کشور است، در استفاده

کردند. در همین حال مذاکرات روزیک‌شنبه بین دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، برای پایان دادن به جنگ این کشور با روسیه انجام شد. به گفته دو طرف این مذاکرات با پیشرفت مواجه بوده اما همچنان مسائل حساس و پیچیده‌ای باقی مانده است. رهبران دو کشور در نشست خبری مشترک که عصر یک‌شنبه، ۲۸ دسامبر (هفتم دی) برگزار شد، روند گفت‌وگوها را «عالی» یا «فوق‌العاده» توصیف کردند، اما ترامپ تأکید کرد که یک یا دو مسئله حیاتی هنوز حل نشده‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا به‌طور مشخص مسئله قلمرو را به‌عنوان یکی از موضوعات کلیدی نام برد و گفت: «یکی از اصلی‌ترین موضوعات حل‌نشده، مسئله قلمرو است. برخی از آن مناطق تصرف شده‌اند، برخی ممکن است قابل مذاکره باشند، اما احتمال دارد طی چند ماه آینده دوباره درگیر شوند». این اظهارات نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های دیپلماتیک، خط قرمزهایی وجود دارد که دستیابی به صلح نهایی را پیچیده می‌کند.

در مقابل، زلنسکی در گفت‌وگو با شبکه «فاکس نیوز» به نگرانی‌های داخلی اوکراین اشاره کرد و گفت که مردم خواهان صلح هستند، اما از عقب‌نشینی از مناطق شرقی کشور، به‌ویژه منطقه دونباس، حمایت نمی‌کنند. او تأکید کرد: «تمامی طرفین

باید درک کنند که بدترین کار خروج از دونباس است؛ چراکه خطرات بزرگی برای اوکراین به همراه دارد و از سوی اوکراین قابل قبول نیست. همپرسی در این رابطه مثبت نخواهد بود». زلنسکی همچنین درباره نیت پوتین برای صلح ابراز تردید کرد و گفت: «اگر بخواهم صادق باشم، به نظرم او این را نمی‌خواهد؛ چراکه اصلاً چنین چیزی را از وی نمی‌شنوم. او به‌طور عمومی درباره صلح صحبت نمی‌کند و گفته که می‌تواند به پیشروی ادامه بدهد، که این نشانه‌ای برای صلح نیست». رئیس‌جمهور اوکراین همچنین بر اهمیت دریافت کمک‌های مالی برای بازسازی کشور تأکید کرد و افزود که کی‌یف خواهان تضمین‌های امنیتی بلندمدت از آمریکا است. پیش‌تر زلنسکی بیان کرده بود که اوکراین خواستار تضمین‌های ۳۰ تا ۵۰ ساله است و ترامپ در پاسخ گفته بود که در این زمینه «فکر خواهد کرد». با این حال، طبق توافق‌های فعلی، اوکراین به مدت ۱۵ سال تضمین‌های امنیتی از آمریکا دریافت خواهد کرد.



بی‌اعتمادی زیادی بین تهران و واشنگتن برای برگزاری یک مذاکره معنادار وجود دارد و به‌نظر می‌رسد زیاده‌خواهی آمریکا برای سه شرط اصلی خود یعنی «توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران، قطع کامل حمایت از جریان‌های مقاومت در منطقه و کاهش برد موشک‌ها»، همچنان بر روابط دو کشور اثرات منفی گذاشته است. تحلیل این مواضع نشان می‌دهد که فضای دیپلماتیک میان ایران و آمریکا در یک بن‌بست پارادوکسیکال گرفتار شده است. از یک‌سو، هر دو طرف به‌صورت تاکتیکی در را به روی گفت‌وگو نبسته‌اند تا از انزوای سیاسی جلوگیری کرده و مسئولیت شکست احتمالی دیپلماسی را به گردن دیگری بیندازند. از سوی دیگر، پیش‌شرط‌های حداکثری و متضاد، عملاً هرگونه مذاکره جدی را غیرممکن می‌کند. پافشاری آمریکا بر «غنی‌سازی صفر» که از نظر ایران معادل تسلیم است و تأکید ایران بر مذاکره بدون تهدید، دیواره‌ای بلند از بی‌اعتمادی ساخته که عبور از آن نیازمند تغییرات بنیادین است. این بی‌اعتمادی، ریشه در سیاست «فشار حداکثری» و خروج یکجانبه آمریکا از برجام دارد و مفهوم «دیپلماسی مقاومت‌محور» ایران را تقویت کرده است. براساس این دکترین، دیپلماسی تنها زمانی ارزشمند است که از موضع قدرت و برای تثبیت حقوق ملی به کار گرفته شود، نه عقب‌نشینی در برابر فشار. در چنین شرایطی، تلاش‌های میانجیگرانه عراق، اگرچه برای کاهش تنش‌های کوتاهمدت حیاتی است، اما تا زمانی‌که اراده سیاسی لازم در تهران و واشنگتن برای برداشتن گام‌های اعتمادساز واقعی شکل نگیرد، نمی‌تواند به یک موفقیت راهبردی و پایدار منجر شود.



زلنسکی از برنامه‌ریزی برای دور بعدی مذاکرات در ژانویه در کی‌یف خبر داد و گفت: «رستم امروف، رئیس شورای دفاع و امنیت ملی اوکراین، در حال هماهنگی این روند با شرکاست. پس از این دیدار، مذاکرات بین رهبران اروپایی و اوکراین، تنظیم اسناد کلیدی و آماده‌سازی تماس‌ها بین ترامپ و رهبران اروپایی برنامه‌ریزی شده است». این موضوع نشان می‌دهد که مذاکرات فعلی تنها بخشی از یک روند دیپلماتیک گسترده‌تر با مشارکت کشورهای اروپایی است.

در همین حال، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در نشست‌ی درباره وضعیت جنگ اعلام کرد که نیروهای مسلح اوکراین در امتداد کل خط تماس رزمی در حال عقب‌نشینی هستند و ارتش روسیه در بیشتر جبهه‌ها به پیشروی ادامه می‌دهد. این اظهارات حاکی از آن است که وضعیت میدانی هنوز ناپایدار است و هرگونه توافق صلح، به‌شدت تحت‌تاثیر تحولات نظامی قرار خواهد گرفت.

خاورمیانه

شهادت ابوعبیده و سنوار تأیید شد

سنخنگوی جدید تعیین شد

گردان‌های القسام، شاخه نظامی جنبش حماس روز دوشنبه با تأیید شهادت ابوعبیده، سنخنگوی خود و تعیین سنخنگوی جدید تأکید کرد: سلام بر غزه، با خاک، آب، آسمان و هوایش. سلام بر مردان، زنان، کودکان، رزمندگان مقاوم و قهرمانانش. سلام بر چادرهای فرسوده، خانه‌های ویران و بدن‌های خسته‌متان. اما ایمان و اعتقاد شما قوی‌تر از آن چیزی است که دشمنان و توطئه‌گران تصور می‌کنند. با افتخار شهادت گروهی از مجاهدین قهرمان و گروهی از فرماندهان شجاع قسام را به شما اعلام می‌کنیم. گردان‌های القسام ضمن تأیید شهادت سنخنگوی نظامی خود، ابوعبیده، نام واقعی او را «حذیفه سمیر عبدالله الکحلوت» (ابو ابراهیم) اعلام کرد. گردان‌های القسام همچنین شهادت «محمد السنوار» (برادر شهید یحیی السنوار)، «محمد شبانه»، «رائد سعد» و «ابوعمر السوری» را تأیید کرد. رژیم صهیونیستی در ماه اوت گذشته اعلام کرده بود که ابوعبیده را ترور کرده است. ابوعبیده، کنیه‌ای که برای سنخگویان گردان‌های القسام استفاده می‌شود و اینک برای سنخنگوی جدید استفاده می‌شود، گفت: هفتم اکتبر انفجاری کوبنده علیه بی‌عدالتی، ظلم و محاصره بود. بسا وجود حملات و تخلفات، مقاومت به‌خاطر مردم‌سا به تعهدات خود عمل کرد. ابوعبیده، سنخنگوی جدید القسام افزود: ما از کسانی که نگران هستند، می‌خواهیم به‌جای تمرکز بر تفنگ‌های فلسطینی، اسرائیل را از سلاح‌های مرگبارش خلع سلاح کنند. تجاوز اشغالگران متوقف نشده است و جنبش جهانی نباید متوقف شود. از فرزندان ملت خود می‌خواهیم که به کمک غزه بیایند، غزه‌ای که همچنان به‌شدت رنج می‌برد. وی ادامه داد: وظیفه شما امدادرسانی و کاهش رنج آن است. ای ملت مسلمان، بیدار شوید! بدانید که پاییز اشغال آغاز شده است و نفرین خون زنان، کودکان و بی‌گناهان همچنان آن را آزار خواهد داد. ابوعبیده خطاب به مردم غزه گفت: سرتان را می‌بوسیم و به شما قول می‌دهیم که به شما وفادار خواهیم ماند. با هم، آنچه را که اشغال ویران کرده است، خواهیم ساخت و از بین نخواهد رفت. فداکاری‌های شما پیوده نخواهد بود.





سال هشتم شماره ۲۱۵۱
سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴

کافه

تازه‌های ادب و هنر

ویرتین: تازه‌های نشر

روح غمناک یک زن

گیاهخوار هان کانگ نقد ساختار مردسالار با زبانی شاعرانه است



الهه دره‌شامی

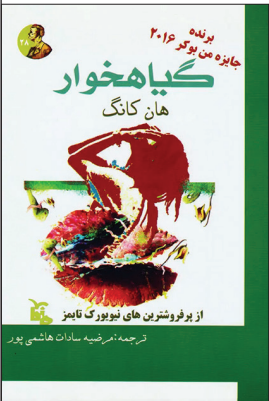
روزنامه‌نگار

رمان زیبای «گیاهخوار»، اثر هان کانگ، یکی از رمان‌های تأمل‌برانگیزی است که خوانش آن دشواری‌های عاطفی قابل‌توجهی را با خود به همراه دارد. داستان بانویی جوان، با غم‌هایی نهان. غم‌هایی که ذره‌ذره از مهم‌ترین دوران زندگی که کودکی نامیده می‌شود، جمع می‌شود و وجود او را تماماً در خود می‌بلعد. بانویی جوان که همانند زنان عام جامعه ما رفتار می‌کند و در کلبه‌اش نقشی را ایفا می‌کند که از او انتظار دارند؛ زنی بی‌صدا، مطیع و خدمتگزار. او از دل خانه‌ای بیرون آمده که پدرش یک مرد خشن است و خشونتش را نان سفره آن‌ها کرده و تماماً کودکی او و خواهر و برادرش را بلعیده. این زن یونگ‌هی نام دارد؛ زنی که بعد از بیرون آمدن از آن خانه نیز با مردی سرد و بی‌عاطفه ازدواج می‌کند. یونگ‌هی یک شب بعد از دیدن خوابی عجیب تصمیم می‌گیرد گیاهخوار شود و از آن شب به‌بعد رفتارش عجیب می‌شود. نکته‌حائز اهمیت این است که داستان سه فصل دارد و هر فصل یک راوی که هیچ‌کدام یونگ‌هی نیستند. این‌هم می‌تواند اشاره‌نویسنده به این موضوع باشد که هیچ‌کس برای یونگ‌هی هویتی قائل نیست. در فصل اول همسر یونگ‌هی راوی داستان هست که تماماً بدون نام بردن از نام یونگ‌هی فقط او را زخم خطاب می‌کند و مسائل گفتارش حول محور مسائل تنانه همسرش می‌گردد. این در حالی است که بعد از تصمیم به گیاهخواری روز به‌روز ضعیف‌تر و عجیب‌تر می‌شود و همسرش بدون پرسش و درک یونگ‌هی که چرا به گیاهخواری روی آورده یا آزاد گذاشتن او در این انتخاب، مدام به او می‌گوید گوشت بخورد، حتی وقتی خانواده‌ی یونگ‌هی مطلع می‌شوند، بدون درک و همدلی و صحبت با او فقط اجبار به گوشت‌خواری را مطرح می‌کنند و پدر با ضربات فیزیکی که تماماً تروماهای کودکی یونگ‌هی را به خاطرش می‌آورد، او را مجبور به خوردن گوشت می‌کند و یونگ‌هی با ضربات چاقو به خود آسیب می‌رساند و راهی بیمارستان می‌شود؛ این در حالی است که کسی نه با او همدلی می‌کند، نه سعی دارد درکش کند. انتظار، انتظار، انتظارهای بی‌جا و دختری که در خانه پدری مطیع بار آمده اما به ناگاه در خانه همسرش طغیان کرده و گیاهخواری را انتخاب می‌کند. این نخوردن گوشت نشان از عدم پذیرش سلطه جامعه پدرسالار است و نشان از این‌که او دیگر از این وضع خسته شده و گیاهان که نماد لطافت و نرمی هستند را انتخاب کرده است. گوشت‌خواری، ارتباط فیزیکی با همسرش و... همه و همه او را یاد خشونت دوران کودکی‌اش می‌اندازد و به مرور تصمیم می‌گیرد کلاً غذا نخورد و تبدیل به یک گیاه یا درخت شود، همان‌گونه که در خواب‌هایش دیده بود. این درخت شدن استعاره از محکم شدن در برابر کتک‌های پدر و در مرتبه‌ای بالاتر جامعه است. در جایی یونگ‌هی می‌گوید گیاه نیاز به نور خورشید و آب دارد، پس من هم باید این‌گونه زندگی کنم و این نیاز به نور و آب نشان از نیاز او به محبت و گرمی احساس است. در فصل دوم راوی داستان شوهر خواهر یونگ‌هی است که باز هم جذب تابگی و ماه گرفتگی روی تن یونگ‌هی شده است، باز هم جسم زن و دریغ از درک شخصیت و

چرایی احوالاتش. فصل سوم تنها فصلی است که داستان از زبان خواهر یونگ‌هی، روایت می‌شود. خواهری که بیشتر از بقیه سعی در درک کردن یونگ‌هی دارد و مدام خاطرات را با خود مرور می‌کند که شاید اگر بیشتر حواسش بود خواهرش حالش این‌گونه نمی‌شد.

یونگ‌هی ساکت داستان ما، بیشترین دیالوگ را در فصل آخر و با خواهرش دارد. هان کانگ با این داستان اثربخش، روایتی غم‌انگیز از زندگی یک زن که قربانی رفتارهای اشتباه پدر است را به سبکی غم‌پار، دشوار و شاعرانه روایت می‌کند. بخش‌هایی از داستان به علت نابودی ذره ذره یونگ‌هی ادامه دادنش سخت است اما باز هم ارزش خواندن دارد. دیالوگ زیبای پایان داستان با جمله خواهر یونگ‌هی به پایان می‌رسد که شاید این اتفاقات همه یک خواب باشد. همانند آغاز، پایان نیز با خواب همراه است. این تغییرماهیت یونگ‌هی و دوری از انسان بودن و شیء‌شدگی او، با اتفاقاتی که برایش رقم خورده، هماهنگی دارد. جامعه سنتی مردسالار، در دیالوگ‌هایی از این کتاب به‌وضوح دیده می‌شوند، دیالوگ همسر یونگ‌هی با خودش در توجیه کم‌حرفی یونگ‌هی: «مگر طبق سنت‌هایمان زنان نباید محبوب و ساکت باشند؟» یا وضعیت حاد یونگ‌هی در بیمارستان بعد چاقو زدن به خودش و تجربه حال روحی بد اما بقیه به فکر این بودند که چگونه می‌تواند در چشم‌های شوهرش نگاه کند. این رمان، نقدی تیز و بی‌رحمانه بر ساختارهایی است که زنان را به حاشیه می‌راند، استقلال‌شان را انکار می‌کند و هر تلاش برای آزادی را با نابودی پاسخ می‌دهد. «گیاهخوار» نه تنها داستانی شخصی، بلکه فریادی علیه سرکوب سیستماتیک زنان در جوامع پدرسالار است، اثری که پس از خواندن، خواننده را با سؤال‌های عمیقی تنها می‌گذارد.

هان کانگ با زبانی شاعرانه، نابودی تدریجی یک زن را ترسیم می‌کند؛ از انسان به گیاه، از زندگی به خواب. آغاز با کابوس، پایان با آرزوی خواب بودن. همه این رنج‌ها نه تنها داستان یک زن، بلکه آینده‌ای تلخ از جوامعی است که آزادی زنان را با خشونت پنهان خفه می‌کنند. «گیاهخوار» آینده‌ای از جنگل‌های پدرسالار است؛ جایی که زنان چون نهال‌های جوان، زیر سایه درختان کهنسال خم می‌شوند و هر جوانه آزادی، با تبر خشونت بریده می‌شود. این رمان فریادی سبز در سکوت جنگل، دردش چون شیره درختان در جان خواننده جاری می‌شود و ریشه می‌دواند هم‌چون درختی کهن در حافظه زمان.



گیاهخوار

هان کانگ

ترجمه مرضیه‌سادات

هاشمی‌پور

نشر هنر پارینه

۲۱۶ صفحه

۳۰۰۰۰ تومان

طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

بهرام بیضایی یکی از برجسته‌ترین فیلم‌نامه‌نویسان، نمایشنامه‌نوویسان، کارگردانان، تدوینگران و پژوهشگران معاصر ایران است که آثار او نه‌تنها در عرصه هنر، بلکه در پژوهش تاریخی و اسطوره‌شناسی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. پس از درگذشت بیضایی در ۵ دی ۱۴۰۴، آثار پژوهشی او همچنان الهام‌بخش پژوهشگران و هنرمندان است. آنچه جایگاه او را در تاریخ فرهنگی ایران تثبیت می‌کند، نه‌تنها بازخوانی گذشته بلکه ارائه تحلیلی تطبیقی و هنری است که فرهنگ ایران را در گستره جهانی معرفی می‌کند و ارزش‌های آن را برجسته می‌سازد. ویژگی متمایز بیضایی در تلفیق نگاه هنری و علمی است؛ نگاهی که هم به خلق اثر هنری می‌پردازد و هم به فهم ریشه‌ها و ساختارهای فرهنگی و تاریخی ایران توجه دارد. آثار پژوهشی او، به‌ویژه در حوزه نمایش و اسطوره، همواره مرجع اصلی پژوهش‌گران بوده و هم‌چنان الهام‌بخش نسل‌های جدید پژوهش‌گران و هنرمندان است.

بوطیقای نمایش شرق

یکی از نخستین گام‌های پژوهشی بیضایی، کتاب «نمایش در ژاپن» بود که در ۱۳۴۳ به صورت چهار مقاله بازنویسی و از تابستان تا زمستان ۱۳۴۳ در مجله «موسیقی» منتشر شد. زمستان همان سال مجموعه این مقالات به صورت کتاب چاپ شد و رسماً تجدیدچاپ نشد تا زمستان ۱۴۰۰ که توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان چاپی عکسی از آن انتشار یافت. این اثر با همکاری داریوش آشوری و سهراب سپهری تدوین شد و نوشته ژاپنی روی جلد را نیز از سهراب سپهری است. این اثر نخستین مطالعه تطبیقی جدی بیضایی بر نمایش‌های شرقی به‌شمار می‌رود. او در این کتاب گونه‌های مختلف نمایش ژاپنی از جمله نو، کابوکی و بونراکو را بررسی کرد و شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و معنایی آن‌ها را با نمایش ایرانی تحلیل کرد. این پژوهش نشان می‌دهد بیضایی از همان آغاز، نگاه غرب‌محورانه به هنر و نمایش را کنار گذاشته و به مطالعه و شناخت فرهنگ‌های شرقی و ارتباطات فرهنگی فراتر از مرزهای جغرافیایی توجه داشته است.

با موفقیت این تجربه، بیضایی توجه خود را به تاریخ نمایش ایرانی معطوف

سینمای ایران

تلفیق پژوهش و هنر

نگاهی به آثار پژوهشی بهرام بیضایی در حوزه اسطوره‌شناسی و تاریخ نمایش

کرد و نتیجه این پژوهش در کتاب «نمایش در ایران» (۱۳۴۴) که، به قولی «پایه استوار تاریخ‌نویسی نمایش در ایران» شد و به قولی دیگر «بوطیقای کتاب نمایش در ایران» است به اوج رسید. این کتاب که ابتدا به صورت مجموعه مقالاتی در مجله موسیقی منتشر شد، مهم‌ترین و معتبرترین تحقیق درباره نمایش سنتی ایران شناخته می‌شود. این اثر در مهر ۱۳۴۴، مجموع این مقاله‌ها در کتابی به نام «نمایش در ایران» با شصت تصویر و طرح و یک واژه‌نامه در چاپخانه کاویان به سفارش نویسنده طبع شد. این کتاب سال‌ها نایاب بود و به‌طور غیرقانونی تکثیر می‌شد، تا سرانجام در سال ۱۳۷۹ انتشارات روشنگران و مطالعات زنان با اجازه بیضایی، که می‌خواست کتابش را بازنویسد و به صورت جدیدی منتشر کند، چاپ نویی ازش منتشر کرد.

این اثر به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: نمایش‌های پیش از اسلام و نمایش‌های پس از اسلام. نمایش‌های پیش از اسلام عمدتاً آیینی، جمعی و شفاهی بودند و متونی مکتوب از آن‌ها باقی نمانده است. نمایش‌های پس از اسلام شامل نقالی، نمایش‌های عروسکی (سایه‌بازی و خیمه‌شب‌بازی)، تعزیه و نمایش‌های شادی‌آور هستند. نقالی به نقل داستان‌ها و وقایع تاریخی و قهرمانی می‌پردازد و با خطابه متفاوت است، زیرا هدف آن انتقال اندیشه خاص نیست بلکه قصه‌گویی و سرگرمی است. نمایش‌های عروسکی نیز شامل سایه‌بازی و خیمه‌شب‌بازی است که در نوع سایه‌بازی، عروسک‌ها در برابر نور حرکت کرده و سایه آن‌ها دیده می‌شود و در خیمه‌شب‌بازی، تماشاگر عروسک‌ها را مستقیماً می‌بیند. تعزیه نیز بر وقایع کربلا و زندگی خاندان پیامبر تمرکز دارد و به مرور جنبه‌های فکتنی و داستانی فرهنگ توده مردم را شامل شد.

در نظر پژوهش‌گران، «نمایش در ایران» پایه‌گذار تاریخ‌نگاری مدرن نمایش در ایران است. فرخ غفاری آن را «بهترین تحقیق در تحول انواع نمایش‌های ایرانی» خوانده و مصطفی اسکویی آن را ادامه کار ابوالقاسم جنتی عطایی در تاریخ‌نگاری نمایش ایرانی دانسته است. احمد شاملو نیز «ارجمند»ش شناخت و در تحقیقات خود ازش بهره برد. جایگاه این کتاب به‌عنوان پژوهشی مستند و مفید همچنان برجسته است. این کتاب ضمیمه‌ای شامل واژه‌نامه مصطلحات نمایشی دارد که فهم دقیق‌تر اصطلاحات و مفاهیم را ممکن می‌سازد. در ادامه پژوهش‌های تطبیقی، بیضایی به فرهنگ و نمایش چین توجه کرد و کتاب «نمایش در چین» (۱۳۴۸-۱۳۴۹) را منتشر ساخت. او در این اثر به تحلیل نمایش‌نامه‌های

مرگ در تبعید خودخواسته

بازتاب جهانی درگذشت بهرام بیضایی

۱۰ فیلم بلند، چهار فیلم کوتاه و ۱۴ نمایش صحنه‌ای، بیش از ۷۰ کتاب، مقاله، نمایشنامه و فیلم‌نامه نوشت. بیضایی، یکی از پیشگامان سینمای موج نو ایران، آثار موفقی داشت که در جشنواره‌های جهانی به نمایش درآمدند. ازجمله این آثار می‌توان به رگبار و سگ‌کشی اشاره کرد. آثار او الهام‌گرفته از اساطیر و تاریخ هند و ایران بود و بر مطالعه ادبیات و زبان‌های کهن ایرانی تکیه داشت. بیضایی شکل‌های بومی تئاتر ایران را در پروژه‌های سینمایی و صحنه‌ای خود بازسازی کرد. اولین نمایشنامه او، آرش، زمانی که ۱۹سال داشت، نوشته شد و پاسخی به آرش کمانگیر سیاوش کسروی بود. او همچنین پژوهش‌های متعددی درباره ریشه‌های هزار و یک شب و ارتباط آن با آثار مهم ادبیات فارسی انجام داد و در مطالعاتش به هنرهای نمایشی هند، چین و ژاپن پرداخت. بیضایی از اعضای بنیانگذار مرکز فیلمسازان پیشرو ایران، انجمن نویسندگان ایران و جامعه نویسندگان





سال هشتم شماره ۲۱۵۱
سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴

گزارش: سینمای جهان

شهرت، سیاست و انزوا

بازیگر نام‌آور فرانسه درگذشت



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

برژیت باردو، بازیگر فرانسوی با موهای نامرتب و چهره‌ای متفاوت که سمبل جذابیت سینمای میانه قرن بیستم شد و از سال ۱۹۷۳ بازیگری را رها کرد تا زندگی خود را وقف حقوق حیوانات کند، روز یک‌شنبه در خانه‌اش در جنوب فرانسه درگذشت. او ۹۱ سال داشت. خبر درگذشت او توسط بنیاد برژیت باردو، که برای حمایت از حیوانات تأسیس کرده بود، اعلام شد. باردو در ۲۳سالگی با فیلم «و خدا زن را آفرید» که در فرانسه شکست تجاری خورد، یک سال بعد در آمریکا، به شهرت جهانی رسید. منتقد نیویورک‌تایمز، بوسلی کروتز، او را «یک اثر خلاقانه، فوق‌العاده و پدیده‌ای که باید دیده شود تا باور کرد» توصیف کرد.

شخصیت سینمایی باردو متمایز بود. نه‌تنها به‌خاطر جوانی و زیبایی‌اش، بلکه به دلیل شور و هیجان آشکارش. کارگردان این فیلم، همسر وقت او رژه وادیم بود که هرچند بعدها از هم جدا شدند اما در شکل‌دهی به تصویر عمومی باردو نقش داشت و او را در چهار فیلم دیگر نیز هدایت کرد.

نویسنده سیمون دوبووار سال ۱۹۵۹ در مقاله‌ای با عنوان «برژیت باردو و سندرم لولیتا» حضور قدرتمند باردو در سینما را، چالشی فمینیستی علیه سلطه نگاه مردسالارانه دانست و آن را شکست نجیبانه خواند. کمتر فیلم باردو یک پروژه جدی سینمایی بود و خودش گفته بود که تنها فیلم خوبی که ساخته «حقیقت» ساخته آتری-ژرژ کلوژ در ۱۹۶۰ است که نامزد اسکار شد. او بیشتر برای کمدهای سبک مانند «عروس بسیار زیباست» (۱۹۵۶)، «بابت به جنگ می‌روم» (۱۹۵۹) و «رواه» (۱۹۶۹) شناخته می‌شد، اما با برخی از معتبرترین کارگردانان فرانسه همکاری کرد.

او در طول دوران فعالیت، با رنه کلسر در «حرکات بزرگ» (۱۹۵۵)، ژان-لوک گدار در «تحقیر» (۱۹۶۳)، لویس مال در «یک رابطه خصوصی» (۱۹۶۲) و «زنده‌باد ماریا!» (۱۹۶۵) کار کرد. «زنده‌باد ماریا!» تنها نامزدی جایزه بازیگری بریتانیا را برای او به ارمغان آورد. اگرچه او چند فیلم به زبان انگلیسی بازی کرد، هرگز در هالیوود کار نکرد. نزدیک‌ترین تجربه‌اش به هالیوود، نقش‌های کوچک در «هلن تروی» (۱۹۵۶) و «عمل عشق» (۱۹۵۳) بود و فیلم وسترن «شالاکو» (۱۹۶۸) نیز تولید مشترک بریتانیایی-آلمانی بود.

در اوج شهرت، همه‌چیز درباره باردو تقلید می‌شد: موهای نامرتب، آرایش سنگین چشم و انتخاب‌های مد او، ازجمله بلوزهای خاص، شلوار و دامن‌های چین‌دار که سلیقه دوران را نشان می‌داد. در ۱۹۶۹، او اولین



محسوب می‌شود و جلد دوم مستقیم «ریشه‌یابی درخت کهن» است. بیضایی در این اثر، با استناد به منابع متعدد تاریخی، ادبی و نسخه‌شناسی، ریشه‌های داستان بنیادین هزار و یک شب و ارتباط آن با داستان‌های جم و ضحاک در شاهنامه را بررسی کرد. او نشان داد که بسیاری از روایت‌ها و قصه‌های مشهور شرقی، با الگوهای شاهنامه و اسطوره‌های ایرانی ارتباط دارند. این کتاب، بحث‌برانگیزترین پژوهش اوست و برخی پژوهشگران، ازجمله عبدالحسین آذرنگ، ادعای اصالت ایرانی پیشاهاخمانشی هزار و یک شب را تا حدی خیال‌پردازی می‌دانند، اما تحلیل‌های دقیق بیضایی، هم در حوزه تطبیقی و هم نسخه‌شناسی، وزن علمی قابل توجهی دارد.

ویژگی پژوهش‌های بیضایی

ویژگی‌های مشترک پژوهش‌های بیضایی، نشان‌دهنده سبک و روش منحصر‌به‌فرد اوست. او همواره رویکردی تطبیقی و تاریخی دارد و مقایسه میان فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف را مدنظر قرار می‌دهد. منابع متنوع، از متون کهن و تاریخی گرفته تا منابع اسطوره‌ای و ادبی، پایه تحلیل‌های او هستند. مهم‌تر آن که بیضایی در تمام این پژوهش‌ها، هنر و پژوهش را تلفیق کرده و نگارشی جذاب و هنری برای مخاطب فراهم آورده که هم پژوهشگران متخصص و هم علاقه‌مندان عام می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. علاوه بر این، توجه ویژه او به فرهنگ عامه، آیین‌ها، نقالی‌ها و تعزیه، نشان می‌دهد که بیضایی این عناصر را نه‌تنها به‌عنوان نمایش‌های سرگرم‌کننده، بلکه به‌عنوان ستون‌های هویت فرهنگی مردم در نظر گرفته است.

پژوهش‌های بیضایی از منظر تحلیل فرهنگی، فراتر از تاریخ نمایش هستند و به بررسی فرهنگ و هویت ایرانی در طول تاریخ می‌پردازند. او با تحلیل نمایش‌ها، اسطوره‌ها و داستان‌ها، جایگاه فرهنگ ایران را در گستره جهانی نمایش و داستان‌سرایی برجسته کرده است. این رویکرد نشان می‌دهد که هنر و پژوهش، در نظر بیضایی دو روی یک سکه هستند و هر پژوهش علمی بدون حساسیت هنری و هر اثر هنری بدون پشتوانه پژوهشی، نمی‌تواند تصویری جامع از فرهنگ ارائه دهد.

ایرانی برجای گذاشت. در این گزارش همچنین آمده است: «کارگردانانی که با آثار بیضایی بزرگ شده‌اند، او را معلم و راهنما می‌دانند» و در ادامه پیام جعفر پناهی، فیلمساز ایرانی را منتشر کرده است. در ادامه با بیان اینکه بیضایی «مردی که بی‌کلام سخن گفت»، نوشته است: بیضایی هرگز به بیان مستقیم مواضع سیاسی، روی نیاورد. هم در مقام نمایشنامه‌نویس و هم در مقام فیلمساز، از اظهار نظر صریح اجتناب می‌کرد. با این‌حال، داستان‌های او اغلب شخصیت‌های تاریخی و اساطیری را در برابر مستمگران تاریخ ایرانیان قرار می‌داد و نقدی ظریف اما قدرتمند ارائه می‌کرد. او که از خانواده‌ای شاعر و اهل فرهنگ برخاسته بود، از کودکی با فرهنگ ایرانی عجین بود. شهرت اولیه‌اش به‌عنوان نمایشنامه‌نویس و با داستان‌هایی برگرفته از افسانه‌ها و آیین‌های ایرانی شکل گرفت. این رسانه با اشاره به فیلم «باشو، غریبه‌ای کوچک» آن را «شاهکاری در تبعید» خواند و گفت: یکی از برجسته‌ترین آثار بیضایی، باشو، غریبه کوچک، داستان پسرچه‌ای است که به‌دنبال پناهگاهی در جنگ است. این فیلم که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ساخته شد، ابتدا در ایران ممنوع شد. با این‌حال، منتقدان بعدها آن را بزرگترین فیلم تاریخ سینمای ایران دانستند. نسخه بازسازی‌شده فیلم در جشنواره ونیز امسال جایزه بهترین فیلم در بخش کلاسیک‌ها را دریافت و دیدگاه بیضایی را به نسل جدید معرفی کرد. همچنین آمده است: بیضایی با وجود خروج از ایران، هیچگاه ارتباط با وطن‌اش را کمرنگ نکرد.

مرد بزرگ سینمای ایران

بی‌بی‌سی جهانی نیز با دستمایه قراردادن درگذشت بهرام بیضایی، نوشت: «ادای احترام‌های گسترده‌ای به بهرام بیضایی، غول سینما و تاتار ایران که در سن ۸۷ سالگی درگذشت، صورت گرفته است». این گزارش می‌افزاید: صفحه‌های اول روزنامه‌های ایران با انده از فقدان او نوشته‌اند و هم صداهای مخالف حکومت و هم کسانی که با حس نوستالژی به دوران شاه می‌نگرند، به بیضایی ادای احترام کرده‌اند. اگرچه فیلم‌های متأخر بیضایی ممنوع شدند اما شماری از چهره‌های ارشد دولت کنونی ایران نیز به سهم او در فرهنگ ایرانی ادای احترام کرده‌اند. در ادامه گزارش آمده است: او که از کودکی شیفته سینما بود، در دهه ۱۹۷۰ به فیلمسازی روی آورد و به‌عنوان یکی از چهره‌های کلیدی موج نوی سینمای ایران شناخته شد. او در سال‌های میانی فعالیت‌اش اثری را ساخت که بسیاری آن را شاهکارش می‌دانند: «باشو، غریبه کوچک». این فیلم (مانند دیگر آثار آن دوره) در ایران ممنوع شد، اما بعدها توسط منتقدان سینما به‌عنوان بزرگترین فیلم تاریخ سینمای ایران انتخاب شد. با وجود ترک وطن، همسرش مژده شمسایی، گفته است که حتی شنیدن نام «ایران» اشک به چشمان او می‌آورد و او همواره به تولد فرهنگی نو و آینده‌ای تازه برای میهن‌اش امیدوار بود.

چینی، به‌ویژه آثار لی کویی مانند «گردباد سیاه» و «مهر تقایی» پرداخت و با دقت ساختار، مضمون و عناصر فرهنگی این آثار را با نمایش ایرانی مقایسه نمود. این پژوهش، ادامه نگاه تطبیقی بیضایی به نمایش‌های شرقی و توجه او به پیوندهای فرهنگی میان تمدن‌ها را نشان می‌دهد.

تبارشناسی هزار و یک شب

دهه ۱۳۸۰، بیضایی توجه ویژه‌ای به اسطوره‌ها و داستان‌های بنیادین نشان داد و کتاب «ریشه‌یابی درخت کهن» را منتشر کرد. در این پژوهش، او داستان‌های بنیادین هزار و یک شب را با روایت ضحاک در شاهنامه مقایسه کرد و همانندی‌های ساختاری، شخصیتی و مضمونی آن‌ها را تحلیل کرد. بیضایی با بررسی دقیق تحولات تاریخی و داستانی این روایت‌ها، تلاش کرد تا سرچشمه‌های مشترک آن‌ها را شناسایی کند و دگرگونی‌های داستانی و تطبیقی آن‌ها را آشکار سازد. کتاب سال ۱۳۸۲، پس از نمایش «شب هزارویکم»، نوشته شد و اردیبهشت سال بعد توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شد. سال ۱۳۸۴ نسخه اولیه «هزار افسان کجاست؟» همچون «پوست‌های همان کتاب» نوشته شد.

بیضایی در پیشگفتار کتاب توضیح داده که اندیشه همانندی داستان بنیادین هزارویک شب با داستان «پادشاهی ضحاک» با خواندن دیباچه علی‌اصغر حکمت بر هزارویک شب طسوجی در دهه ۱۳۴۰در ذهنش پیدا شده بوده است. بیضایی در این کتاب کوشیده با جست‌وجو در اسطوره‌های هندوایرانی، شهرزاد و دنیازاد و شهریار را با شهرتاز و انروز و ضحاک (اژدهاک) تطبیق دهد. با بررسی ریشه کتاب هزار و یک شب با ذکر شواهد و دلایل و مقایسه نقل و ترجمه‌های موجود می‌نویسد: «داستان مادر (یا بنیادین) هزار و یک شب (اگر بدفهمی‌های احتمالی گزارشگران قرن چهارم ه‍.ق را ندیده بگیریم) عیناً همان داستان مادر کتاب نابودشده «هزار افسان» است که به‌نظر می‌رسد (اگر نه زودتر، نهایتاً) در قرن سوم هجری از بهلولی (یا فارسی) با نام «الف لیله و لیله» به عربی ترجمه شده بوده (است)».

کتاب «هزارافسان کجاست؟» مفصل‌ترین رساله پژوهشی منتشر شده او

و آهنگسازان نمایشی بود و ریاست گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران را برعهده داشت. پس از انقلاب، مجبور به ترک دانشگاه شد و آثارش سانسور یا ممنوع اعلام شد. بیضایی عضو آکادمی فیلم بود و در سال ۲۰۲۴ برای عضویت در هیئت رأی‌گیری اسکار دعوت شده بود.

پیشگام سینمای ایران

سایت ددلاین که یکی از مطرح‌ترین سایت‌های سینمایی است نیز در گزارشی با تیتیر «پیشگام سینمای ایران درگذشت» در ارتباط با درگذشت بهرام بیضایی نوشت: بهرام بیضایی، فیلمساز ایرانی که بیشتر به‌خاطر فیلم باشو، غریبه کوچک شناخته می‌شود و نسخه بازسازی‌شده آن در جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵ به نمایش درآمد، درگذشت. او ۸۷ ساله بود. بهرام بیضایی در دسامبر ۱۹۳۸ در تهران به‌دنیای آمد. او یکی از فیلمسازان برجسته موج نو سینمای ایران بود و آثار شاخصی چون رگبار، باشو، غریبه کوچک و سگ کشی را در کارنامه خود داشت.

غول فرهنگی ایران

سایت استیپ‌تمن، یکی از مهم‌ترین رسانه‌های انگلیسی‌زبان کشور هندوستان نیز با تیتیر: «بهرام بیضایی، غول فرهنگی ایران درگذشت» درباره این هنرمند بزرگ ایرانی، نوشت: بهرام بیضایی که به‌خاطر شاهکارهایی مانند باشو، غریبه کوچک شناخته می‌شود، با سانسور و محدودیت‌های سیاسی مواجه شد، اما اثر ماندگاری بر سینما و فرهنگ



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

قربانیان تورم

شوک‌های اقتصادی با خانواده‌ها چه می‌کنند؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

بحران‌های اقتصادی، به‌ویژه زمانی که به شکل تورم مرم‌ن و فرسایشی بروز می‌کنند، صرفاً معادلات مالی و شاخص‌های کلان را جابه‌جا نمی‌کنند، بلکه به‌تدریج بنیان‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها را هدف قرار می‌دهند. افزایش مداوم قیمت‌ها کاهش قدرت خرید و ناامنی شغلی، نوعی اضطراب دائمی در زندگی روزمره ایجاد می‌کند که از سادترین تصمیم‌های معیشتی تا عمیق‌ترین روابط عاطفی درون خانواده اثر می‌گذارد. در چنین شرایطی، فشار اقتصادی تنها یک مسئله مالی نیست، بلکه به عاملی تعیین‌کننده در سلامت روان، کیفیت روابط خانوادگی و میزان تاب‌آوری اجتماعی تبدیل می‌شود. در بعد اقتصادی، نخستین و ملموس‌ترین تهدید، بیکاری و ناامنی شغلی است. خانواده‌هایی که آینده درآمدی خود را نامطمئن می‌بینند، ناچارند سطح مصرف را کاهش دهند و از نیازهای اساسی چشم‌پوشی کنند. کاهش درآمد در سال‌های اخیر به‌گونه‌ای بوده که بنا بر برآوردها، حدود ۳۶درصد جمعیت کشور زیر خط فقر قرار گرفته‌اند. تأمین خوراک، مسکن، مواد غذایی باکیفیت، خدمات درمانی و آموزش برای بخش قابل‌توجهی از خانوارها به چالشی جدی تبدیل شده و حتی گزارش‌ها نشان می‌دهد نزدیک به یک‌سوم مردم قادر به تأمین کالری روزانه مورد نیاز خود نیستند. در این میان، افزایش بدهی و قرض به راهکاری ناگزیر بدل شده و افت رفاه، کاهش کیفیت زندگی و از دست رفتن پس‌اندازها، پشتوانه‌های مالی خانواده‌ها را به‌شدت تضعیف کرده است. این فشار اقتصادی به‌سرعت به حوزه اجتماعی سرایت می‌کند. افزایش تنش‌های مالی، زمینه‌ساز رشد خشونت خانگی، به‌ویژه علیه زنان و کودکان شده است. از سوی دیگر، تصمیم‌های مهم زندگی مانند ازدواج و فرزندآوری به تعویق می‌افتد یا به‌کلی کنار گذاشته می‌شود. نسبت طلاق به ازدواج در ایران به حدود ۳۹درصد رسیده، نرخ باروری به ۱٫۴۴ فرزند کاهش یافته و تعداد تولدها نسبت به سال ۷۰درصد افت کرده است.

هم‌زمان، دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی محدودتر شده و افت تحصیلی، ترک تحصیل و تغییر الگوهای آموزشی، به‌ویژه در خانواده‌های کم‌درآمد، شدت گرفته است. در چنین فضای، بسیاری از خانواده‌ها برای حفظ آبرو یا به دلیل ناتوانی مالی، از مشارکت‌های اجتماعی، میهمانی‌ها و سفرها صرف‌نظر می‌کنند و به‌تدریج دچار انزوای اجتماعی می‌شوند. بحران اقتصادی همچنین پیامدهای عمیقی در حوزه فرهنگی دارد. تغییر سریع ارزش‌ها و سبک زندگی، یکی از نتایج مستقیم فشار معیشتی است. زمانی که تمرکز اصلی خانواده‌ها بر بقا قرار می‌گیرد، مشارکت فرهنگی به حاشیه رانده می‌شود. کاهش سرمایه اجتماعی، تضعیف حس اعتماد و حمایت شبکه‌ای و افت استفاده از محصولات فرهنگی مانند کتاب، فیلم، تئاتر و سایر خدمات فرهنگی، از نشانه‌های این روند است. فرهنگ به‌تدریج از یک نیاز اجتماعی به یک کالای لوکس تبدیل می‌شود که تنها برای اقشار محدودی قابل دسترس است. در سطح فردی، پیامدهای روانی بحران اقتصادی بسیار گسترده و نگران‌کننده است. اضطراب اقتصادی مزمن، احساس دائمی نگرانی درباره آینده مالی، افسردگی ناشی از احساس ناتوانی و این تصور که تلاش بیشتر نیز به بهبود وضعیت منجر نمی‌شود، بسیاری از افراد را درگیر کرده است. فرسودگی روانی حاصل از تصمیم‌گیری مداوم درباره حذف یا حفظ نیازها، فشار ذهنی سنگینی ایجاد می‌کند که گاه به رفتارهای پرخطر، تصمیم‌های پریسک، اعتیاد یا حتی افکار خودکشی می‌انجامد. این فشار روانی در سطح خانواده تشدید می‌شود. افزایش تنش و تعارض، مشاجره‌های مکرر، کاهش صمیمیت و احساس گناه والدین به دلیل ناتوانی در تأمین نیازهای فرزندان، فضای عاطفی خانواده را فرسوده می‌کند. اضطراب و استرس والدین به‌طور مستقیم به کودکان منتقل می‌شود و چرخه‌ای از نگرانی و ناامنی روانی را شکل می‌دهد. در این میان، کودکان قربانیان خاموش بحران‌های اقتصادی هستند. ناامنی غذایی، کاهش مراقبت‌های سلامتی، افت تمرکز تحصیلی، ترک تحصیل، حذف تفریح و سرگرمی و اضطراب از آینده، تنها بخشی از پیامدهایی است که آینده این نسل را تهدید می‌کند. محرومیت امروز کودکان، به کاهش فرصت‌های شغلی در آینده و بازتولید فقر در نسل‌های بعدی منجر می‌شود. به این ترتیب، بحران اقتصادی نه‌تنها حال خانواده‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، بلکه آینده جامعه را نیز با مخاطراتی جدی روبرو می‌کند.

آگهی فقدان سند مالکیت (شماره نامه: ۰۲۹۱۶۳/۱۴۰۴۸۵۶۱۶۰۰۱۰)

آقای محمد نعمتی کلپنده احدی از وراث محسن نعمتی کلپنده طبق درخواست وارده بشماره ۲۱۹۴۶ مورخ ۰۳/ ۰۶/ ۱۴۰۴ با تقدیم دو برگ استثنایه مصدق شده بشماره ۴۶۱۱۳۱ مورخ ۰۳/ ۰۶/ ۱۴۰۴ تنظیمی دفتر اسناد رسمی ۷ کرمانشاه مدعی است پلاک ثبتی ۱۳۳۳ فرعی از ۱۴۸ اصلی واقع در ناحیه یک استان کرمانشاه به مساحت ۹۲- ۸۲ متر مربع به مالکیت محسن نعمتی کلپنده فرزند لید شماره شناسنامه ۱۹ تاریخ تولد ۰۴/ ۱۰/ ۱۳۵۷ صادره از کرمانشاه دارای شماره ملی ۲۳۵۷۹۲۴۵۷۷ با جز سهم ۵٪ از ۵ سهم ۵۷۵۹۹۹ بعنوان ملک پنج دلتک متاع از شش دلتک عرصه و اعیان با شماره سند مالکیت ۵۷۵۹۹۹ تاریخ ۰۴/ ۱۰/ ۱۴۰۴ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۱۸۰ شهر کرمانشاه استان کرمانشاه بشماره سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۱۱۰۹۲ ثبت و منتقل گردید و سند بشماره ۸۱۱۰۹۴ سری الف ۱۴۰۰ به علت سهل انگاری مفقود گردید سند بشماره ۸۱۱۰۹۴ سری الف ۱۴۰۰ ابطال و طبق ماده ۱۲۰ – آیین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی می‌شود تاچنانچه فرد یا افرادی مدعی انجام معامله یاوجود سندمالکیت دروند آنان میباشد تاریخ انتشاراین آگهی به مدت ۱۰ روز مراتب رایه این اداره اعام دارند درغیر اینصورت نسبت به صدورسند مالکیت طبق مقررات اقدام وسند مالکیت اولیه ازدرجه اعتبارساقط وابطال خواهد شد.برابر سیستم الکترونیک باورداشت مشاهده نگردید/ ۶۸۸ محمد عباسی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه – ناحیه یک

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

ادامه تیتیر یک

آغاز ترمیم کابینه

همان‌گونه که خبرگزاری ایرنا گزارش داده است وضعیت نابسامان بازار ارز مستقیماً بر فعالیت‌های اقتصادی و خرید و فروش تأثیر گذاشته و اعتراض بازاریان را در پی داشته است. در پی افزایش ناگهانی نرخ ارز، شماری از کسبه و بازاریان، به‌ویژه در راسته‌های اصلی بازار، ترجیح دادند مغازه‌های خود را تعطیل یا نیمه‌تعطیل کنند. دلیل اصلی این تصمیم، ترس از ضررهای احتمالی ناشی از نوسان شدید قیمت‌ها و نبود چشم‌انداز روشن برای ثبات بازار عنوان شده است. در برخی نقاط حساس بازار تهران، ازجمله سیزه‌میدان و چهارراه استانبول، تجمع‌های پراکنده و سر دادن شعارهایی در اعتراض به وضعیت اقتصادی و نرخ ارز گزارش شد. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که شوک ارزی صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه به‌تدریج به یک مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود. زمانی که بازاریان از انجام معاملات خودداری می‌کنند و سطح فعالیت صنفی به حداقل می‌رسد، زنجیره تأمین کالا دچار اختلال شده و این موضوع مستقیماً به افزایش قیمت‌ها و کاهش دسترسی مصرف‌کنندگان منجر می‌شود. در واکنش به این تحولات، اعضای تیم اقتصادی دولت نشست فوری با محوریت دلار و معیشت برگزار کردند. هرچند جزئیات دقیق این نشست به‌طور کامل منتشر نشد، اما برگزاری آن نشان‌دهنده نگرانی دولت از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی نوسانات اخیر است. با این‌حال، تجربه سال‌های گذشته نشان داده که جلسات اضطراری و تصمیم‌های کوتاه‌مدت، بدون اصلاحات ساختاری، تأثیر پایداری بر ثبات بازار نخواهند داشت.

اعاده حیثیت

تقدیر بار دیگر عبدالناصر همتی را در بزنگاهی حساس به رأس سیاستگذاری پولی کشور رسانده است. در حالی که خبرها از آماده شدن او برای تصدی سفارت ایران در رم حکایت داشت، ناگهان خبر ریاست دوباره‌اش بر بانک مرکزی منتشر شد؛ اتفاقی که یادآور تجربه‌ای مشابه در سال‌های گذشته است. همتی پیش‌تر نیز زمانی که چمدان‌هایش را برای عزیمت به پکن بسته بود، به‌عنوان رئیس کل بانک مرکزی معرفی شد و مسیر حرفه‌ای‌اش تغییر کرد. به‌نظر می‌رسد بانک مرکزی همواره نقطه بازگشت او در لحظات بحرانی اقتصاد ایران بوده است. او در دولت دوم حسن روحانی نیز قرار بود به‌عنوان سفیر ایران در چین فعالیت خود را ادامه دهد، اما شرایط اقتصادی کشور و تلاطم‌های ارزی، او را به ساختمان زمردی خیابان میرداماد بازگرداند. اکنون نیز در شرایطی مشابه، بار دیگر نام او به‌عنوان گزینه اصلی هدایت

بورس

روز ریزش

بازار سهام چرا با افت ۳۷هزار واحدی مواجه شد؟

نسرین خدای

گروه اقتصاد

دیروز یکی از پرنوسان‌ترین و پرچرخه‌ترین روزهای معاملاتی خود را پشت‌سر گذاشت. معاملات دیروز در حالی به پایان رسید که برآیند نیروهای خریدار و فروشنده، منجر به عقب‌نشینی شاخص‌های اصلی بازار شد. شاخص کل بورس که در ابتدای ساعات معاملاتی با گارد صعودی وارد میدان شده بود، در نهایت با ریزش دقیق ۳۷ هزار واحدی مواجه شد و در تراز ۴ میلیون و ۱۲۳ هزار و ۶۲۰ واحد آرام گرفت.

این افت ۰.۸۹درصدی در حالی رقم خورد که شاخص کل طی ۲۱ روز معاملاتی گذشته، همواره مثبت بوده است. شاخص هم‌وزن نیز به‌عنوان نماد وضعیت شرکت‌های کوچک و متوسط

سیاست پولی کشور مطرح شده است؛ آن‌هم در زمانی که بازار ارز با یکی از شدیدترین شوک‌های ارزی سال‌های اخیر مواجه است و اعتماد عمومی نسبت به توان سیاستگذار برای مهار بحران تضعیف شده است. انتخاب مجدد همتی می‌تواند از منظر بخشی از بازار خبری امیدوارکننده تلقی شود. او در میان مدیران اقتصادی چهره‌ای شناخته‌شده و مقتدر با درجه استقلال بالا به‌شمار می‌رود که تجربه مواجهه با شوک‌های ارزی، تحریم‌های شدید و محدودیت‌های بین‌المللی را در کارنامه خود دارد. در اقتصادی که پیش از هر چیز از نبود ثبات و پیش‌بینی‌پذیری رنج می‌برد، بازگشت یک چهره آشنا می‌تواند دست‌کم در کوتاه‌مدت بخشی از نگرانی‌ها را کاهش دهد و سیگنال ثبات به بازار مخابره کند.

علاوه بر این، در علم اقتصاد و سیاست پولی، مفهومی با عنوان حسن‌شهرت سیاستگذار مطرح است؛ مفهومی که



براساس آن، اعتبار، پیشینه و تصویر ذهنی تصمیم‌گیر، نقش مهمی در شکل‌گیری انتظارات اقتصادی جامعه ایفا می‌کند. اگر سیاستگذار به قاطعیت، استقلال و توان تصمیم‌گیری شناخته‌شده، حتی پیش از اجرای سیاست‌ها، می‌تواند بر رفتار بازار اثر بگذارد. همتی ازجمله مدیرانی است که موافقانش او را برخورددار از چنین ویژگی‌هایی می‌دانند و معتقدند همین شهرت می‌تواند به فروکش کردن بخشی از هیجانات ارزی کمک کند.

با این‌حال، بازگشت همتی بدون حاشیه نیست. او اسفند سال گذشته با رأی نمایندگان مجلس استیضاح شد و از وزارت اقتصاد کنار رفت؛ رخدادی که نشانه‌ای از اختلافات جدی در سطح سیاستگذاری اقتصادی کشور

فشار فروش بیشتری را تحمل کرد و با کاهش ۱.۲۶درصدی، عدد یک میلیون و ۱۳۳ هزار و ۱۹۲ واحد را به ثبت رساند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار دیروز، ثبت رقم خیره‌کننده ۳۰۰۸هزار میلیارد تومان برای ارزش معاملات خرد بود. این حجم از گردش نقدینگی نشان‌دهنده نقدشوندگی بسیار بالای بازار حتی در روزهای منفی است. با وجود ریزش شاخص، حجم معاملات خرد به عدد ۶۳.۸ میلیارد برگه سهم رسید که حاکی از دست‌به‌دست شدن گسترده سهام میان معامله‌گران است. ارزش بازار در پایان معاملات دیروز در سطح ۱۳هزار و ۹۹۵ همت تثبیت شد که معادل ارزی آن رقمی نزدیک به ۹۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود. این حجم از معاملات در کنار نوسانات قیمتی نشان می‌دهد که بازار در حال سپری کردن یک مرحله جدی از شناسایی سود و جابه‌جایی نقدینگی میان گروه‌های مختلف است. آمار ورود و خروج نقدینگی در پایان معاملات روز دوشنبه

بود. اکنون بازگشت او به رأس بانک مرکزی را می‌توان نوعی اعاده حیثیت سیاسی و مدیریتی تلقی کرد؛ فرصتی دوباره برای اثبات این ادعا که مشکلات بازار ارز بیش از آنکه ناشی از ضعف فردی مدیران باشد، ریشه در ساختارها و محدودیت‌های کلان اقتصاد ایران دارد.

مقایسه اعداد نیز به‌خوبی عمق بحران را نشان می‌دهد. در روز استیضاح همتی، قیمت دلار در حدود ۹۳ هزار تومان قرار داشت؛ رقمی که در روزهای اخیر تا مرز ۱۴۴ هزار و ۵۰۰ تومان نیز پیش رفت. این جهش بزرگ، نه‌تنها نشان‌دهنده شدت بی‌ثباتی بازار ارز است، بلکه فشار انتظارات تورمی و نااطمینانی روانی را نیز برجسته می‌کند. در چنین فضای، بازگشت یک مدیر باسابقه ممکن است به‌طور موقت ترمز رشد قیمت‌ها را بکشد، اما نمی‌تواند به‌تنهایی تضمین‌کننده ثبات پایدار باشد.

پرسش اصلی این است که آیا همتی ابزار و اختیار لازم برای مدیریت بازار ارز را در اختیار خواهد داشت یا خیر. تجربه گذشته نشان می‌دهد که رئیس کل بانک مرکزی، بدون انضباط مالی دولت، کنترل کسری بوده‌جه و هماهنگی میان سیاست‌های پولی و مالی، عملاً قدرت مانور محدودی دارد. اگر بازگشت همتی با حمایت سیاسی کافی، استقلال نسبی بانک مرکزی و یک بسته سیاستی شفاف همراه شود، می‌توان به کاهش التهاب بازار امیدوار بود. در غیر این‌صورت، او نیز ممکن است در همان چرخه فرسایشی گرفتار شود که پیش از این بسیاری از مدیران اقتصادی را فرسوده کرده است. حضور دوباره عبدالناصر همتی بیش از آنکه پاسخ قطعی به بحران ارز باشد، فرصتی تازه برای آزمون یک فرض قدیمی است: اینکه آیا تغییر چهره‌ها می‌تواند بر روندهای عمیق اقتصادی غلبه کند یا نه. بازار در روزهای آینده به این انتصاب واکنش نشان خواهد داد، اما قضاوت نهایی درباره موفقیت یا ناکامی همتی، به تصمیم‌هایی گره خورده است که فراتر از نا‌هما، به اصلاح مسیر سیاستگذاری اقتصادی کشور مربوط می‌شود. آنچه از تحولات اخیر بازار تهران برمی‌آید، این است که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و اصلاحات عمیق ساختاری است. بدون توجه به این الزامات، شوک‌های ارزی همچنان تکرار خواهند شد و هر بار هزینه‌ای سنگین‌تر بر دوش خانوارها و فعالان اقتصادی تحمیل خواهند کرد.

حکایت از خروج ۱.۶هزار میلیارد تومانی پول حقیقی از گردونه معاملات سهام دارد. این میزان خروج نقدینگی در کنار تراز منفی ۶۷۲ میلیارد تومانی صندوق‌های درآمد ثابت، نشان‌دهنده رویکرد احتیاطی سرمایه‌گذاران در مواجهه با سطوح مقاومتی شاخص است. در بازار دیروز، تنها ۲۰۰ نماد (معادل ۲۲درصد بازار) توانستند در محدوده مثبت به کار خود پایان دهند، در حالی که ۷۱۰ نماد (معادل ۷۸درصد بازار) با رنگ قرمز بسته شدند. این گستردگی منفی‌ها نشان می‌دهد که فشار عرضه منحصر به شاخص‌سازها نبوده و کلیت بازار را تحت‌تأثیر قرار داده است. واکاوی رفتار معامله‌گران حقیقی در روز جاری نشان‌دهنده برتری نسبی قدرت فروشنندگان است. سرانه خرید هر کد حقیقی در پایان معاملات ۷۳.۸ میلیون تومان ثبت شد، در حالی که سرانه فروش حقیقی‌ها عدد ۹۶.۶ میلیون تومان را نشان می‌دهد. این شکاف آماری بیانگر آن است که کدهای بزرگتر بازار در حال نقد کردن بخشی از دارایی‌های خود هستند. با این‌حال، در بخش سفارش‌گذاری، همچنان برتری با سمت تقاضاست؛ به‌طوری که ارزش سفارشات خرید در پایان بازار ۶ هزار و ۵۴۸ میلیارد تومان و ارزش سفارشات فروش ۳ هزار و ۵۹۵ میلیارد تومان ثبت شده است. این اختلاف معنادار در صفوف خرید و فروش می‌تواند به‌عنوان یک ضربه‌گیر برای ریزش‌های احتمالی فردا عمل کند.

دارو در منگنه‌ارز و تحریم

وزیر بهداشت می‌گوید ارز ترجیحی دارو، فعلا حذف نخواهد شد

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



«ارز ترجیحی دارو در بودجه ۱۴۰۵ حذف نشده است». این اظهارات دیروز محمدرضا، وزیر بهداشت است. با این‌حال بررسی کلیات لایحه بودجه نشان از یک پارادوکس بزرگ دارد. اگرچه می‌گوید ارز ترجیحی هنوز حذف نشده، اما داده‌های بودجه‌ای از کاهش ۳۰۲ میلیارد یورویی در ردیف کالاهای اساسی حکایت دارند؛ رقمی که سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس، آن را زنگ خطری برای «لکه‌تنگ» شدن کارنامه دولتی می‌داند که رئیس‌جمهورش خود یک پزشک است.

در اقتصاد دارو، قیمت تنها یک عدد نیست، بلکه تابع زنجیره‌ای از نقدینگی است. کارشناسان صنعت دارو هشدار می‌دهند که حتی با فرض بقای ارز ترجیحی، وقتی تخصیص آن با تأخیرهای پنج‌ماهه روبه‌روست، عملاً «ارز ارزان» به «کمبود گران» تبدیل می‌شود. در واقع، حذف ارز ترجیحی تجهیزات پزشکی در سال گذشته و جایگزینی آن با ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، نیاز به نقدینگی را در این صنعت هفت برابر افزایش داده است. این یعنی شرکت‌های تولیدی و وارداتی در

شهر

تحریم؛ برکت برای سیاستمدار، مصیبت برای بیمار

در میان این بحران نقدینگی، اظهارات عباس عراقچی درباره «برکات تحریم»، بزرینی بر آتش خشم بیماران خاص بود. واکنش تند سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس که گفت «اگر عراقچی بیمار سرطانی در خانواده داشت، هرگز از برکات تحریم نمی‌گفت»، بازتاب‌دهنده رنجی است که در لایه‌های پنهان جامعه جریان دارد. گرچه دارو رسماً در فهرست تحریم‌ها نیست، اما انسداد شریان‌های بانکی و پنج‌ماه انتظار برای تخصیص ارز توسط بانک مرکزی، عملاً «تجارت دارو» را تحریم کرده است. امروز در بیمارستان‌های کشور، کمبود مرفین و مسکن‌های پایه به مرحله بحرانی رسیده است. این نه یک ادعای جناحی، بلکه فریاد کادر درمانی است که با دست خالی با درد بیماران روبه‌رو می‌شوند. وقتی از «برکات» سخن گفته می‌شود، باید از مادر بیمار هموفیلی پرسید که داروهای وارداتی فرزندش به دلیل حذف غیررسمی ارز ترجیحی یا عدم تخصیص به‌موقع، نایاب شده است. در اینجا، تحریم نه یک فرصت برای خودکفایی، بلکه دیواری است که میان بیمار و حق حیات قدم‌لرزه کرده است.

قاچاق معکوس؛ واقعیت میدانی یا فرار رو به‌جلو؟

یکی از پرتکرارترین توجیه‌های دولتی برای کمبود دارو پدیده «قاچاق معکوس» است. استدلال ساده است: چون دارو در ایران ارزان است، به کشورهای همسایه قاچاق می‌شود و همین باعث کمبود در بازار داخلی می‌گردد. اما حتی سخنگوی سازمان غذا و دارو نیز در روزهای اخیر با تعدیل مواضع قبلی خود، اذعان کرده که تأثیر قاچاق بر کمبودهای دارویی «محدود» است.

واقعیت میدانی نشان می‌دهد که «قاچاق» به یک اسم رمز برای توجیه ناکارآمدی در زنجیره تأمین بدل شده است. مشکل اصلی نه در خروج چند کارتن دارو از مرزها بلکه در عدم تأمین نقدینگی و بدهی‌های انباشته بیمه‌ها به داروخانه‌هاست. وقتی بیمه مطالبات را با تأخیر شش‌ماهه پرداخت می‌کند، داروخانه نتوان خرید دوباره ندارد، پخش نقدینگی‌اش قفل می‌شود و تولیدکننده ترجیح می‌دهد خط تولید را متوقف کند. در این چرخه معیوب، قاچاق تنها یک معلول کوچک است، نه علت تامه بحرانی که نفس‌های بیماران را به شماره انداخته است.

انبار یا تونل زیرزمینی؟

معاون میراث فرهنگی استان تهران می‌گوید؛ تونل زیر بازار، انبارهای متعدد است!

چمران و معمای قنات‌ها

اما ضلع دیگر این کلاف سردرگم، اظهارات روز گذشته مهدی چمران در صحن شورای شهر تهران است. رئیس شورا که دهه‌هاست مدیریت شهری پایتخت را در سیطره فکری خود دارد، با ادبیاتی که بوی فرار رو به‌جلو می‌داد، مدعی شد که «ما تونل نداریم، بیشتر قنات داریم» و این مسیرها احتمالاً همان قنات‌های قدیمی برای هدایت آب هستند که رصد نشده بودند. این اظهارنظر، نه‌تنها نادیده گرفتن گزارش‌های فنی شهرداری منطقه ۱۲ است، بلکه توهینی به حافظه‌جمعی کارشناسانی است که از طبقه «منفی دو» و بتن‌ریزی‌های جدید در زیر سراهای «آزادی» و «نادری» بازدید کرده‌اند.



آقای چمران در حالی از قنات سخن می‌گوید که گزارش‌های رسمی مدیریت بحران، صراحتاً از «زاغه‌کشی» و «حفر مغازه‌های جدید در عمق زمین» خبر می‌دهند. قنات‌ها سازه‌هایی هستند برای انتقال آب با شیب مشخص، نه فضاهایی با وسعت ۵ هزار مترمربع که سقف‌شان با تیرآهن‌های سنگین پوشانده شده و در آنها معاملات تجاری انجام می‌شود. نقد اساسی به ریاست شورا این است که چطور سیستمی که مدعی است حتی برای جابه‌جایی یک فرغون خاک در تهران مجوز می‌خواهد، از حفاری چندین کیلومتری در حساس‌ترین نقطه امنیتی و اقتصادی شهری بی‌خبر مانده و حالا با تقلیل دادن آن به «قنات»، به‌دنبال پاک کردن صورت مسئله است؟

مورانه‌های سوداگری در لایه‌های پنهان شهر

آنچه در زیر بازار تهران رخ داده، فراتر از یک تخلف ساختمانی، نمادی از غلبه «سوداگری لجام‌گسیخته» بر

«حق حیات شهری» است. وقتی قیمت هر مترمربع در بازار، با طلا برابری می‌کند، بی‌ساختمان دیگر تکیه‌گاه سازه نیست، بلکه مانعی برای کسب سود بیشتر دیده می‌شود. پدیده «پی‌خواری» که ادیب‌زاده به آن اشاره کرد، در واقع مورانه‌وار عمل کرده است. مالکان و صاحبان سرقفلی، با اطمینان از ضعف نظارت شهرداری و میراث فرهنگی، لایه‌های زیرین زمین را تخلیه کرده‌اند تا فضایی برای پیش‌فروش مغازه‌هایی خلق کنند که روی کاغذ وجود ندارند اما در واقعیت، جان هزاران نفر را تهدید می‌کنند. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که در برخی نقاط، دیوارهای باربر ۶۰ سانتی‌متری به ضخامت ۱۰ سانتی‌متر تراشیده شده‌اند.

این یعنی ساختمان‌های چند دهه ساله بازار، اکنون بر روی هوای فشرده و ستون‌های لرزانی ایستاده‌اند که هر لحظه ممکن است با یک لرزه خفیف یا نشست فاضلاب، به درون خود فرو بریزند. این تخلف محصول یک شب و دو شب نیست؛ محصول ۱۰ سال چشم‌پوشی سیستمی است که حالا با کشف این حفره‌ها، شوکه شده است.

مسئولیت‌های گم‌شده و میراثی که معلق است

در این میان، نقش معاونت میراث فرهنگی تهران نیز زیر تیغ نقد است. آقای ادیب‌زاده می‌گوید «مکانبات ما بی‌اثر بوده است». این جمله، اعتراف تلخی به ناتوانی نهادی است که وظیفه حفاظت از قلب تاریخی تهران را برعهده دارد. بازار تهران یک ملک شخصی نیست؛ یک میراث ملی ثبت شده است. چطور می‌توان پذیرفت که زیر یک بنای ثبت ملی، ۵ هزار متر حفاری انجام شود و میراث فرهنگی تنها به «مکانبه» بسنده کند؟

تضاد میان حقوق مالکیت و مسئولیت اجتماعی در بازار تهران به اوج خود رسیده است. مالکان تنها به «عرصه» و سود حاصل از آن می‌اندیشند و نهادهای دولتی میان «پلمب» و «ایمن‌سازی» سرگرداند. فاجعه اصلی اینجاست که اکنون هیچ نقشه مهندسی دقیقی از این حفره‌ها در دست نیست. مرکز تحقیقات راه و شهرسازی ۹ ماه زمان صرف کرده تا بفهمد زیر زمین چه‌خبر است و این یعنی ما با یک «شهر زیرزمینی غیرقانونی» مواجهیم که هیچ‌کس مسئولیت ساخت آن را برعهده نمی‌گیرد.

محیط زیست

۵۷ هزار مرگ خاموش

بهای سنگین هوای آلوده

آلودگی هوا دیگر یک هشدار محیط‌زیستی ساده نیست؛ به بحرانی فراگیر تبدیل شده که مستقیماً جان مردم و آینده اقتصاد کشور را نشانه رفته است. بنا بر اعلام معاون بهداشت وزارت بهداشت، سالانه حدود ۵۷ هزار مرگ در کشور به آلودگی هوا نسبت داده می‌شود و خسارت اقتصادی ناشی از آن به ۱۷ تا ۱۸ میلیارد دلار در سال می‌رسد. این ارقام، آلودگی هوا را در ردیف جدی‌ترین تهدیدهای سلامت عمومی ایران قرار می‌دهد؛ تهدیدی که آرام، تدریجی و اغلب نادیده گرفته می‌شود. واقعیت این است که آلودگی هوا محصول تصمیم‌های کوتاه‌مدت و انباشته‌شده طی چند دهه است. توسعه نامتوازن شهری، وابستگی به سوخت‌های فسیلی، تردد گسترده خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده و ضعف در اجرای قوانین، مجموعه‌ای از عوامل را شکل داده که امروز نتیجه آن در بهای شهر وندان دیده می‌شود. در این میان، افشار آسیب‌پذیر شامل سالمندان، کودکان، بیماران قلبی و رویی بیشترین آسیب را تحمل می‌شوند؛ آسیب‌هایی که گاه به بیماری‌های مزمن و حتی سرطان منجر می‌شود، به‌ویژه در اثر ذرات معلق خطرناک زیر ۲.۵ میکرون. نکته مهم آن است که ایران از نظر قانونی، ابزار لازم را در اختیار دارد. «قانون هوای پاک» از نظر محتوایی قانونی کامل است و وظایف دستگاه‌های مختلف در آن به‌روشنی مشخص شده؛ اما چالش اصلی اجرای ناقص و ناهماهنگ قانون است. منابع حاصل از جرایم زیست‌محیطی، به‌جای هزینه‌شدن در مسیر کاهش آلاینده‌ها و جبران خسارت‌های سلامت، اغلب در مسیرهای دیگر مصرف می‌شود؛ در حالی که سلامت مردم باید در صدر اولویت‌های تصمیم‌گیری کلان قرار گیرد. در کنار این کاستی‌ها، نشانه‌هایی از حرکت در مسیر درست نیز دیده می‌شود. توسعه خودروهای برقی، اسقاط خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده و توجه به انرژی‌های پاک، ازجمله اقداماتی است که می‌تواند روند آلودگی را معکوس کند. ایران با بیش از ۲۵۰ روز آفتابی در سال، ظرفیت بالایی برای بهره‌گیری از انرژی خورشیدی دارد؛ ظرفیتی که هم به کاهش آلودگی هوا کمک می‌کند و هم می‌تواند محرک اقتصاد سبز و اشتغال پایدار باشد. تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که حل بحران آلودگی هوا ممکن است، اما نه با اقدامات مقطعی و شعاری. این مسیر نیازمند حکمرانی علمی، برنامه‌ریزی بلندمدت، اجرای دقیق قانون و مشارکت همگانی است. دولت، بخش خصوصی و مردم هر سه در این میدان نقش دارند. آلودگی هوا مسئله‌ای نیست که بتوان آن را به آینده موکول کرد؛ هر روز تعلل، هزینه‌ای است که با جان انسان‌ها پرداخت می‌شود.



سال هشتم شماره ۲۱۵۱
سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴

حافظه

بررسی رخدادهای تاریخی

سازندگی: روزنامه سیاسی واجتماعی ● صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران ● مدیرمسئول: امیر اقتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● عکس: رضا معطریان ● ویراستار: سعیده آراین‌فر ● حروف‌چین: سحر خسروجردی ● نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ ● چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سایه‌ای بر تاریخ

درباره صدام حسین و روزی که دیکتاتور عراق اعدام شد

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

صبح سرد ۹ دی ماه ۱۳۸۵ بغداد در سکوتی سنگین فرو رفته بود؛ سکوتی که تنها با انتشار خبر کوتاهی شکست. صدام حسین اعدام شد. مردی که دهه‌ها با مشت آهنین بر عراق حکومت کرد، در اتاقی کوچک در «کمپ عدالت» به پایان رسید؛ جایی که طناب دار، آخرین فصل زندگی یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های سیاسی قرن بیستم را رقم زد اما مرگ صدام، پایان یک فرد بود یا پایان یک الگو؟ این پرسشی است که هنوز بی‌پاسخ مانده است.

محصول زمانه با معمار خشونت؟

صدام حسین در سال‌هایی به قدرت رسید که عراق در میانه آشوب‌های سیاسی، کودتاها و رقابت‌های ایدئولوژیک دست‌وپا می‌زد. او از دل حزب بعث برخاست؛ حزبی که وعده نوسازی عربی می‌داد اما در عمل، به دستگاهی امنیتی و سرکوبگر بدل شد. صدام، برخلاف بسیاری از رهبران منطقه، نه کاریزمای طبیعی داشت و نه محبوبیت مردمی. آنچه او را بالا کشید، ترکیبی از بی‌رحمی، محاسبه‌گری و عطش قدرت بود. در نخستین سال‌های حکومتش، او با حذف رقبای داخلی از ژنرال‌ها تا اعضای حزب ساختاری ایجاد کرد که در آن، تنها یک نفر حق تصمیم‌گیری داشت: خودش. این خودمحموری، بعدها در تصمیم‌های فاجعه‌باری مانند حمله به ایران و اشغال کویت، نقش تعیین‌کننده‌ای یافت.

صدام حسین، بیش از هر چیز، اسیر توهم قدرت بود. او عراق را نه کشوری با ظرفیت‌های محدود، بلکه «امپراتوری بالقوه» می‌دید. همین تصور، او را به سمت تصمیم‌هایی سوق داد که نه‌تنها عراق، بلکه منطقه را برای دهه‌ها بی‌ثبات کرد. در سال ۱۹۸۰، صدام با این تصور که ایران پس از انقلاب اسلامی ضعیف شده و ارتش آن فروپاشیده است، دستور حمله داد. او گمان می‌کرد با اشغال چند استان مرزی،

ایران را وادار به پذیرش شرایط خود می‌کند اما این جنگ، که قرار بود «کوتاه و پیروزمندانه» باشد، به هشت سال خون‌ریزی، ویرانی و بن‌بست نظامی تبدیل شد. مطالعات نظامی نشان می‌دهد که صدام نه‌تنها توان ایران را دست‌کم گرفت، بلکه ساختار ارتش عراق را نیز بیش از حد بزرگ می‌پنداشت. ده سال پس از آغاز جنگ ایران و عراق، صدام مرتکب اشتباهی بزرگ‌تر شد: حمله به کویت. این اقدام، او را در برابر ائتلافی جهانی قرار داد و عراق را وارد چرخه‌ای از تحریم، انزوا و نهایتاً سقوط کرد. اشغال کویت، نقطه‌ای بود که حتی متحدان عرب او نیز از وی فاصله گرفتند.

صلاح‌الدین جدید

صدام خود را «صلاح‌الدین جدید» می‌دانست. در سخنرانی‌ها، از «رسالت تاریخی» خود حرف می‌زد و در رسانه‌های دولتی، تصویرش در قامت قهرمانی شکست‌ناپذیر بازتولید می‌شد. اما این خودشیفتگی، او را از واقعیت دور کرد. او دیگر صدای مشاوران را نمی‌شنید و تنها به بازتاب‌هایی گوش می‌داد که خودش ساخته بود. جنگ ایران و عراق، یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن بیستم بود. صدام، این جنگ را نه صرفاً یک درگیری مرزی، بلکه نبردی ایدئولوژیک می‌دانست. او می‌خواست عراق را رهبر جهان عرب و سدی در برابر انقلاب ایران معرفی کند. اما نتیجه چه شد؟ عراق بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار خسارت دید. صدها هزار نفر کشته و زخمی شدند. ساختار اقتصادی عراق فروپاشید. ارتش عراق، با وجود حمایت قدرت‌های جهانی، توانست پیروزی تعیین‌کننده‌ای به‌دست آورد. در نهایت، صدام نه‌تنها توانست ایران را شکست دهد بلکه زمینه‌ساز تقویت موقعیت منطقه‌ای ایران شد؛ نتیجه‌ای

کاملاً معکوس با هدف اولیه. صدام پس از سقوط بغداد در سال ۲۰۰۳، در یک گودال زیرزمینی دستگیر شد؛ تصویری که برای بسیاری، نماد فروپاشی یک دیکتاتور بود. او در دادگاه ویژه عراق، به‌خاطر نقش در کشتار ۱۴۸ شیعه در «الدجیل» محکوم شد و حکم اعدامش در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ اجرا شد. اما نحوه اجرای حکم از جمله انتشار ویدئویی که در آن، برخی مأموران او را مسخره می‌کردند بحث‌های زیادی درباره عدالت، انتقام و آینده عراق برانگیخت. برخی تحلیلگران معتقدند که اعدام صدام، به‌جای ایجاد آشتی ملی، شکاف‌های فرقه‌ای را عمیق‌تر کرد. مرگ صدام، پایان یک دوره بود اما پایان دیکتاتوری نبود. کشورهای عربی در خاورمیانه، ساختارهای سیاسی اغلب بر پایه تمرکز قدرت، ضعف نهادهای مدنی و اقتصادهای رانتی شکل گرفته‌اند. این ساختارها، زمینه بازتولید رهبران اقتدارگرا را فراهم می‌کنند. چرا دیکتاتوری‌ها بازمی‌گردند؟ اول ترس از بی‌ثباتی؛ زیرا مردم گاهی امنیت را بر آزادی ترجیح می‌دهند.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

و کد ملی ۲۱۲۱۳۰۲۵۰۶ فرزند حسن در ۱۴/۶۷۳۸ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۱۱) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۸۱) تقاضای آقای مهدی کیقبادی به شماره شناسنامه ۵۹ و کد ملی ۲۱۲۱۷۹۲۹۷۱ فرزند ذبیح اله در ۱۰۷۵ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۱۲) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۹) تقاضای آقای سیدحسین حسینی به شماره شناسنامه ۳۱۴ و کد ملی ۲۱۲۱۲۵۲۷۰۳ فرزند سید محمد در ۵۹۰۷۱۶۳ سهم مشاع از ۵۲۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۱۳) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۴) تقاضای خانم فاطمه ترشیزی به شماره شناسنامه ۴۷۱ و کد ملی ۲۱۲۱۱۸۹۳۲۷ فرزند عبدالجواد در ۱۰۷۵ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۱۴) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۷) تقاضای خانم نویسا سادات سید قاسمی به شماره شناسنامه ۳۰۲۳ و کد ملی ۲۱۲۲۵۷۹۷۹۱ فرزند سیدجعفر در ۱۱۰۱۸ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۱۵) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۸۰) تقاضای آقای حسن جلالی به شماره شناسنامه ۳۶ و کد ملی ۲۱۲۲۲۸۶۲۷۱ فرزند علی در ۲۶/۸۷۵ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است. (۱۶) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۸۲) تقاضای خانم ندا سادات سید قاسمی به شماره شناسنامه ۱۹۹۹ و کد ملی ۲۱۲۱۵۷۶۹۶۷ فرزند سید جعفر در ۱۸/۶۵۱۳ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۱۷) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۸) تقاضای آقای علی جلالی به شماره شناسنامه ۵۴۲ و کد ملی ۲۱۲۱۳۱۶۳۸۸ فرزند حسن در ۱۴/۶۷۳۸ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت کل عرصه: ۵۳۷۵۰ متر مربع از پلاک شماره ۱۲ -اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضیان دارد. شناسه آگهی: ۲۰۸۲۶۴۲ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴
جواد پورمند – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض : (۱) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۶۶) تقاضای آقای اکبر جلالی به شماره شناسنامه ۲۳۴ و کد ملی ۲۱۲۱۸۲۷۸۱۱ فرزند حسن در ۱۴/۶۷۳۸ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۲) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۶۸) تقاضای خانم لیلا جلالی به شماره شناسنامه ۱۴۳۵ و کد ملی ۲۱۲۱۵۱۱۴۴۱ فرزند حسن در ۷۰۳۲ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۳) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۶۷) تقاضای خانم مریم جلالی به شماره شناسنامه ۳۵۸ و کد ملی ۲۱۲۱۴۶۳۱۳۵ فرزند حسن در ۷۰۳۲ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۴) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۶۹) تقاضای آقای جعفر جلالی به شماره شناسنامه ۳۳۲ و کد ملی ۲۱۲۱۳۸۰۰۰۸۶ فرزند حسن در ۱۴/۶۷۳۸ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۵) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۰) تقاضای خانم فاطمه جلالی به شماره شناسنامه ۷۵۱ و کد ملی ۲۱۲۱۳۲۸۷۷۷ فرزند حسن در ۷۰۳۲ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۶) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۱) تقاضای آقای عبدالرحیم ذهبی به شماره شناسنامه ۳۹۳۵ و کد ملی ۲۱۲۱۶۴۴۲۴۵ فرزند محمدرضا در ۸۰۹۷۹۶ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۷) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۲) تقاضای آقای محمدرضا ذهبی به شماره شناسنامه ۴۷ و کد ملی ۲۱۲۱۷۹۷۲۴۶ فرزند عبدالرحیم در ۴۰۴۷۱۳ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۸) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۳) تقاضای آقای لیلا ذهبی به شماره شناسنامه ۶۹۱ و کد ملی ۲۱۲۲۵۵۶۴۷۱ فرزند محمدرضا در ۴۰۴۷۱۳ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۹) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۶) تقاضای آقای محمد حسن ترشیزی به شماره شناسنامه ۵۴۲ و کد ملی ۲۱۲۱۲۱۰۰۴۹۰ فرزند عبدالجواد در ۱۰۷۵ سهم مشاع از ۵۳۷۵۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است (۱۰) کلاسه(۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۷۵) تقاضای آقای رضا جلالی به شماره شناسنامه ۱۰۳

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه

برابر رای شماره ۱۲۷۳۳/۰۲۷۰۴۵۷۰/۳۱۰۴۶۰۱۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه مهدی شمس خوزانی فرزند عباسعلی بشماره ملی ۱۷۵۷۱۲۵۲۵۶ بشماره پرونده ۱۰۷۴-۱۴۰۳ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۶۰۶۵ (پانصد و شصت متر و شصت و پنج سانتیمتر) مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۱ اصلی واقع در بخش ۲۹ ثبت ساری خریداری از صدیقه اسپهبدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی: ۲۰۶۶۱۵۱ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹
فریبرز یوسفیان حمیدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳